

بیدار باشید اینک که زبانها آزاد و بدنها سالم و عضوها در اختیار و جایگاه وسیع و مجال بسیار است تا مرگ نرسیده عمل کنید.
حضرت محمد (ص)

باید به مشکلات اقتصادی دولت توجه نمائیم و سعی کنیم از تجملات و تشریفات و مصرفهای زاید بخصوص در چیزهای لوکس که باید از خارج خریده شود اجتناب نمائیم. آیتا... منتظری

میلاد حضرت رسول (ص) یا ارمغان وحدت

در این ایام تاریخی و مقدس میلاد حضرت رسول که هفته وحدت نام گذاری گردیده است با استناد بآیات قرآن و بهره مند شدن از آن باید هفته از تجربههای گذشته جهت حرکت آینده ما بجهت ثمر رساندن آرمانهای انقلاب عظیم این ملت باشد. خداوند بزرگ در کتاب مقدس قرآن می فرماید و آن هده امتکم امه واحده خطاب به انبیاء است آنهاست که راه گشای توحید و وحدت کلمه و قسط و عدل بودند. قرآن می فرماید اینها امت شما هستند. انبیاء در خلال تاریخ و فصول حرکتها اجتماعی درد نیاهای جاید و راکد شرک و بت پرستی توحید عقیده و عمل را اعلام کردند و مردمی را در یک مسیر و در یک خط واحد عقیدتی و ایمانی و اجتماعی براه انداختند ولی بعد چه شد؟ یک امت، یک هدف یک حرکت، یک عقیده، نفی هر شرک بهر صورت بهر گونه و یک رب ربی که مانند

در صفحه ۱۲

بخش چهارم
نقض حقوق بین الملل توسط رژیم بعثی عراق از طریق توسل به زور پاره‌ای از ادعاهای بی اساس رژیم بعثی عراق و پاسخ بانها

از انتشارات دفتر حقوقی وزارت امور خارجه

بقیه از شماره قبل

۸- پس از استقرار جمهوری اسلامی در ایران، رژیم بعثی عراق دست به یک سلسله تحریکات و تجاوزات در نوار مرزی دو کشور زد که در خصوص دهها مورد آن یادداشت رسمی اعتراض آمیز سفارت آن کشور در تهران از طرف وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ارسال گردیده است. در تمام یادداشت‌های مزبور ضمن اعتراض و تقبیح اعمال تحریک آمیز عراق در نوار مرزی دو کشور، از آنان خواسته شده از تکرار این تجاوزات که به روابط دو کشور صدمه میزند جلوگیری شود.

۹- رژیم بعث عراق با تمام وجود کوشیده است جنگی را که بناحق بر

جمهوری اسلامی ایران تحمیل نموده بصورت جنگ بین عرب و عجم جلوه دهد. بطوریکه در بیشتر اعلامیهها و اطلاعیههای عراقی میتوان عبارت «جنگ با عجم» را به کرات مشاهده نمود و حتی از ابتدای جنگ بیشتر مسئولین عراقی این جنگ را بعنوان «قادسیه جدید» معرفی کرده از آن بعنوان واقعه‌ای که در تاریخ افتخارات اعراب ثبت میشود یاد کرده‌اند. در حالیکه دو قوم عرب و عجم تحت لوای اسلام عزیز و بعنوان امت واحد اسلامی برادر یکدیگر بوده و خواهند بود. دین مبین اسلام نژادپرستی و اعتقادات نژادی را مطرود و مذموم دانسته و در این مکتب الهی عرب و عجم و ترک و هندی و سفید و سیاه و زرد و سرخ هیچگونه تفاوتی با هم ندارند. قرآن

کریم در این زمینه میفرماید: «یاایهاالناس انا خلقناکم من ذکراوانثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا. ان اکرمکم عندالله اتقیکم».

آری از نظر دین مبین اسلام در جامعه اسلامی هیچ نوع تبعیض نژادی و یا امتیاز طبقاتی وجود ندارد و تنها تقوی است که میزان فضیلت افراد میباشد. آنکه تقوایش بیشتر است مقامش در نزد خداوند برتر میباشد.

بنابراین تلاش مذبوحانه رژیم بعثی عراق در راه ناسیونالیسم عربی جلوه دادن این جنگ تحمیلی به دلیل سستی ادعا و استدلال و نیز با توجه به سفسطه‌های تاریخی از قبیل «قادسیه جدید» و نظایر آن هیچ نوع موفقیتی کسب نکرد. (در دنباله این محبت اشاره مجددی در این مورد خواهیم داشت).

تحلیلی بوجنگ تحمیلی عراق علیه ایران



طرح تجاوز و سبق تصمیم رژیم عراق در حمله به خاک ایران

تجاوز رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران با طرح و نقشه قبلی و در اصطلاح حقوق کیفری با سبق تصمیم ارتکاب یافته است:

این رژیم بمنظور توجیه تجاوز آشکار خود مذبوحانه میکوشد عمل متجاوزانه خود را دفاع مشروع تلقی کند و در حقیقت نعل وارونه میزند و حال آنکه دقیقاً بموجب موازین و مقررات بین المللی ناظر بر حق دفاع مشروع (که در جای خود مشروحا بدان خواهیم پرداخت) این جمهوری اسلامی ایران است که در مقام دفاع مشروع برآمده و در این چهارچوب قانونی و مشروع بعنوان تنها موردیکه

در صفحه ۲

کنفرانس جهانی برای پیوستگی و اتحاد زنان

راه یک حیات انسانی است. ولاجرم باید نسبت به ایجاد چنین دیدگاهی، علاوه بر جنبه اجتماعی، زنان به عنوان رکن اساسی در جوامع بشری، نگاهی تحسین انگیز شود به منابه جزئی لاینفک از اجتماع به آنان توجه کافی مبذول گردد، و ایجاد یک رشد جهانی، همراه با تلاش جدی و

در صفحه ۱۲

(توضیح مترجم) در بعضی از موارد مطلب زیر مشاهده می شود که کشورهای مترقی استعماری را سواي کشورهای جهان سوم و بطور کلی همه کشورهای مورد تجاوز نشان داده است و آنرا کشور ایده آل و مردان آنها را در تمام زمینهها معرفی نموده است که خود این مساله وجود استعمار قلم را، حتی در متن این مطلب ناقص نمایان ساخته است و بنظر اینجانب بر کسی پوشیده نیست که استعمار در تمام زمینهها نفوذ دارد و بیانگر این واقعیت است که زنان را در جوامع مورد ادعای خود بوسیلهای تبدیل نموده اند که بیشتر در خدمت استعمار قرار گیرد. لکن شرکت افراد آگاه و معتقد و جهت دار و آزاده در این مجامع خود کمکی است به نجات زن یعنی نجات انسانها.

کنفرانس بین المللی نیمه دهه زن در کینیا که دامبارک از تاریخ ۱۴ الی ۳۰ ژوئیه سال ۱۹۸۰ با عنوان برابری- توسعه صلح تشکیل شد. این کنفرانس براساس قرار هیئت عمومی اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد که برنامه کار آن در کنفرانس شهر مکزیکوسیتی تعیین شده است برگزار شد.

سخنی در باره احکام جزائی

بقیه از شماره قبل

همینطور است و چنانچه قبلاً نیز اشاره شده از نظر صحت صدور هم باید بسیار دقیق بود زیرا وقتی رای وحکمی بنام اسلام صادر شد این علاوه بر اینکه در سرنوشت یک جامعه موثر است در مقام معرفی دیدگاه یک مکتب نیز هست آن هم مکتب حقوقی اسلام و این کار مسئولیت بسیار بزرگی است و امروزه که دنیا توجهش به این نکته جلب شده است که مطلع شود احکام اسلامی چیست و آرزومند است که این احکام آنگونه کارساز و مشکل گشا باشد که جامعه بشری به در سطح محققان و دانشمندان و چه در رفیع بنیستهای عملی و مسائل روزمره گمشده خود را پیدا کنند، اگر بعنوان اسلام چیزهایی گفته شود که کارساز و مشکل گشا نباشد و از نظر احتیاجات روزمره زندگی مردم، واقعاً احساس نشود که مشکلی را برطرف کرده و حتی احساس شود که مشکل افزا و خوشنونت آمیز شده است و توجهی به پیشرفت‌ها و مطالعات و تجربیات

در صفحه ۲

آن هم در صورتی است که شرایط تشخیص صحت و اعتبار احادیث و بینش کافی برای برداشت صحیح، محقق باشد. عبارت دیگر همه اینها در صورتی است که این اشخاص در مقام تحقیق یا قانون گذاری یا رعایت مبنای استنباط احکام و تشخیص خروج از اصول به حد اجتهاد و اهلیت اظهار نظر رسیده باشد. و تأیید ما بر این است که حتی در فهمیدن نصوصی که در این زمینه است باید دقت دوباره ای بکنیم و متکی بر آن معانی سطحی نباشیم که قبلاً توسط دیگران درک شده و براساس آن آرائی تحت عنوان احکام اسلام گفته شده است و باتوجه باینکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تأکید داشتند که «رب حامل فقه لیس فقیه» و «رب حامل فقه الی من هوافقه منه» خلاصه اینکه چه بسا حاملین مسائل و احکام فقهی در مقام نقل و انتقال آن بدیگران هستند بدون اینکه خود فقیه باشند در احادیث هم از نظر محتوا و مفهوم

عاشقان راه حق چه میخواهند؟

دوست نازنینم، محمودم: اکنون که این نامه را در جواب نامه محبت آمیز تو که از تهران برایم فرستاده‌ای مینویسم، در میدان نبرد در سرزمین فکه، دریای داربغثیان کافر، جنگ خویش را برای زیباترین نغمه زندگی آغاز می‌کنم. شاید بزودی نوبت سفر آخرین من نیز مانند سایر همزمانم فرارسد. اکنون در پایان روزی زیبا آخرین شعاع خورشید را که فروزاتر از همیشه می‌تابد می‌بینم و گذر آخرین نسیم روز را که لطیفتر از همیشه می‌وزد بروی صورت داغ خویش احساس می‌کنم. حالتی خوش و آرام دارم. زیرا با طیب خاطر مدرسه فنی



را ترک کردم تا به جبهه بیایم و آن دنیای دیگری را که وصفش را شنیده بودم از نزدیک ببینم و احساس کنم. برآستی که جبهه دنیای دیگریست و با زندگی عادی که ما داشتیم بسیار متفاوت است. اینجا همه چیز عشق و عرفان و کار و شتاب برای رسیدن به وصال معشوق است. آن صفا و یکرنگی و پایداری مردانه و شرافت و پاکدامنی و تقدس و تقوایی که در جهان و در جامعه و میان مردم در زندگی روز مره وجود ندارد، اینجا به عینه دیده میشود. پس متعجب مباش اگر بتو بگویم که بازگشت از جبهه و آغاز زندگی مجدد در تهران را دوست ندارم.

در صفحه ۳

در صفحات دیگر می‌خوانید:

بررسی واژه جامعه‌شناسی

بررسی و ثبت اختراع- نوآوران

مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق- واحد خبر

موقعیت زنان در جکسلواکی

بقیه از صفحه اول

اجماع و عقل در فقه شیعه امامیه (در فقه مذاهب دیگر اسلامی، مسئله قیاس، استحسان و مصالح مرسله... به جای عقل مطرح شده است در حال عقل یکی از مسائل برجستهای است که از نظر منابع فقهی داریم و اصولاً مسئله استنباط احکام، باستناد عقل صورت میگیرد و اگر دهها حدیث در موضوعی نقل شده باشد ولی وقتی انسان به عقل سلیم و عقلی از اغراض و هوسهای نفسانی و تمایلات و تشخیصهای شخصی خود مراجعه می کند آنها را مخالف این نوع عقل ببیند دیگر آن حدیثها نمیتواند در مقابل ادله صحیح و صریح عقلی که آنرا نمی پذیرد اعتباری داشته باشد.

بدیهی است آراء و افکار مبتنی بر امور غیر معتبره از نظر عقلی نیز همینطورند و بهر حال امر و حکم غیر عقلی در اسلام نداریم و چنانکه گفته شده است «کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل و کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع» بنابراین اگر چنین چیزی شرعی باشد، حتماً عقلی هم هست و اگر مطلبی از نظر عقلی مورد قبول بود حتماً شرعی نیز خواهد بود و اگر حکم و مطلبی و فتوایی عقلی نبوده شرعی هم نیست و این ملاک و معیار قابل توجه و خوبی است، بخصوص در استنباط مسائل فقهی و ارزیابی آراء و احکام صادره در این زمینه و از جمله در مسائل حقوقی و بالاخص در مورد جزائی که به تطورات تغییرات زمانی و شرایط صحیحی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هم مربوط می شود زیرا در مورد مسئله جزاء و

سخنی در باره احکام جزائی

«واجباً باید توجه داشت که در حقیقت مجازات علاوه بر جبران آثار ناشی از جرم در واقع معالجه یک بیماری فردی، اجتماعی و پیشگیری از وقوع مجدد و تکرار و ایجاد شرایط مساعد برای تأمین عمومی و ایجاد امکانات رشد در همه زمینههاست که در رأس همه آنها حمایت از حق حیات و جلوگیری از تجاوز به حقوق مادی و معنوی افراد جامعه و انسانهاست.

از جمله اینکه انگیزه کار و نوع عمل یا عکس العمل و رفتار متقابل چه بوده؟ و فرشی از کیفر دافن باین کار که جرم شناخته شده است چه بوده و چیست؟ و چگونه می توان آن غرض و در نتیجه مطلوب از مجازات و کیفر را بدست آورد؟ تا جریمه و ظلم و عقده افراشته نشود. بنابراین از مسائل دقیق در حقوق جزا در هر مکتب و نظام، شناخت مفهوم جرم، کیفیت تشخیص و فلسفه مجازات و برنامه های مربوط به پیشگیری و سازندگی و سالم سازی محیط اجتماعی است.

اشاره ای کوتاه بر فلسفه مجازات بدون توجه به مسئله تأمین اجتماعی و حمایت از جامعه و لزوم مراقبت از حقوق فردی و اجتماعی انسانها، طرح مسئله «انتقام شخصی» در مجازات مجرمین بطور مطلق و مجرد از مصالح اجتماعی نمی تواند در مسائل جزائی یک سیستم قانونگزاری صحیح باشد و چنانچه در تاریخ حقوق جزا و «مراحل سیر تحول و حقوق جزا بحث می شود مرحله «انتقام شخصی محض» در مکتب حقوقی یک شیوه منطقی و مختص به شرایط خاص زندگی اجتماعی شناخته شده است که

متعلق به دوران های بربریت انسان ها و قبل از تدوین قوانین و مقررات اجتماعی، حافظ حقوق مجتمع بوده است و بتدریج بسوی جنبه همگانی و علاقه جامعه به نظارت، مشارکت، دخالت و حمایت از مستعدیده تکامل یافته است و اگر امروزه نیز از مسائل حقوقی در یک نظام چنین برداشتی بشود از نظر ریشه های تاریخی منبع و منشأ آنرا به دوران های گذشته انسانها خواهند دانست و اسلام پاک و اصیل که بنیان گزار نظامی پایدار و دینی الهی و ابدی است، در این زمینه رهنمودهایی دارد که شناخت آنها و دقت هر چه بیشتر در آنها می تواند مشخص کننده این تعبیر باشد که «الاسلام یطوول علی»

و اجمالاً باید توجه داشت که در حقیقت مجازات علاوه بر جبران آثار ناشی از جرم (در حدود امکان) در واقع معالجه یک بیماری فردی، اجتماعی و پیشگیری از وقوع مجدد و تکرار آن و ایجاد شرایط مساعد برای تأمین عمومی و ایجاد امکانات رشد و در همه زمینههاست که در رأس همه آنها حمایت از حق حیات و جلوگیری از تجاوز به حقوق مادی و معنوی افراد جامعه و انسانهاست.

بقیه از صفحه اول

بود وقتی هم تنها بودم و بهمه چیز فکر میکردم، بفکر او می افتادم و دیگر فکرش دست از سرم برنمی داشت، یکروز محسن که شاهد وضع من بود خندید و گفت: من بمیرم تو عاشقی.

تا آنروز فکر نمی کردم عاشق شده باشم، حالا من و محسن نشستیم تا فکری بکنیم.

اشکال کار این بود که او به شدت تحت کنترل بود و هیچوقت تنها بیرون نمی آمد البته در شهر کوچک ما، رسم نیست که دختران تنها بیرون بیایند حتی برای رفتن به دبیرستان هم دختران همسایه کوچک و بزرگ با هم راه خانه تاملد رسه را می پیمایند و اشکال دیگر هم وجود دیچود سرپرستان، یعنی او شوهر خواهر بود که ما از او حساب می بردیم و جرات جسارت بحریم او را نداشتیم، ناگهان محسن گفت: پیدا کردم، بهترین راه اینست که ما جریان را بخوایم بگوئیم و واسطه قرار دهیم.

محسن رفت و مرا با یک دنیا امید و آرزو باقی گذاشت. بالاخره محسن توانست خواهرش را قانع کند که موضوع را به بهناز بگوید طرح این مسئله هر چند برای من حیاتی بود اما برای محسن و بخصوص خواهرش جنبه طنز و تفریح داشت از آن پس بهناز هنگام عبورش سرا میدید و زیرچشمی و با ناز نیم نگاهی بمن میکرد و همین توجه برای رنگ دادن بزندگی بیپرده من کافی بود، من و مادرم با هم زندگی میکردیم و کسی را نداشتیم، مادر خیاطی میکرد و آرزوهای بزرگی برای من در سر داشت و مثل بسیاری از مردم آرزوهای مناسب با خواسته ها و تواناییهای من نبود.

قرار بود که من درس بخوانم مهندس شوم و تا سی سالگی زن نگیرم خانه خوبی را برای مادرم بسازم و زندگی مرفهی برایش آماده کنم بعد، زنی که در شان آن موقع

من باشد بگیرم که پدرش فلان و بهمان، خودش تحصیل کرده و حقوق بگیر و چهیزهاش کامل باشد. حالا من هنوز دیپلم نگرفته نسبت به بهناز علاقمند بودم.

پیش خودم حساب میکردم که بالاخره دیپلم می گیرم. سرسازی میروم، کار میکنم، مادر هم موافقت می کند که با بهناز عروسی کنم و بیارمش همین جا، توی همین اطاق دم در حیاط زندگی کنیم.

یکسالی تنها رابطه من و بهناز همین نگاهها بود، تا اینکه شوهر خواهر بزرگوارش، سکنه کرد و خانواده دیگری به خیل پتیمداران افزوده شد در واقع بهناز هم پتیم شده بود.

کم کم در ساعات بیکاری و بی خوابی شروع بنوشتن نامه برای بهناز کردم و نامهها را توسط خواهر محسن باو رساندم. گاهی بهناز و مادرس برای دوخت لباس به منزلان می آمدند و من از اطاقم، سالن خیاطی مادرم را زیر نظر می گرفتم، جز نظر سازی کاری نداشتم هنوز مادر نمی دانست.

بالاخره محسن و خواهرش یک روز بعد از ظهر بهناز را بمنزل ما آوردند و توی همین حیاط کنار حوض کذائی ایستادیم و حرف زدیم. بعد این کار را تکرار کردیم، مادر فهمید و تهدید کرد.

در این هنگام خواهر بزرگتر بهناز پس از یکسال ازدواج صاحب فرزندی شد و مادر بهناز برای جمع وجور کردن زایمان او بمنزل آنها رفت. دیگر مانعی برای ملاقات ما وجود نداشت. یکروز بعد از ظهر بهناز و خواهر محسن و محسن بمنزل ما آمدند توی اطاق من، دور هم نشستیم و آهسته صحبت کردیم، مواظب بودیم مادر نفهمد، پس از ساعتی محسن و خواهرش رفتند و من و بهناز همچنان بصحبت ادامه دادیم، خوب پادم است که بهناز روی تنها صندلی اطاق من نشست بود و من رو برویش

قربانی تعصبات یک مادر نا آگاه در زیر شلاق!

مفهوم زندگی برای من تغییر کرد زیرا تا امروز سعادت را در ارضای تمایلات غریزی می دانستم و برای من تولد، بزرگ شدن و رفاه، موفقیت در تحصیل و شغل، تشکیل خانواده و تولید نسل می بود

ایستاده بودم همان چادر وال که برای من متضمن راز و رمز عشق و زندگی بود سرش بود و روی دمهائی پلاستیکی سفید رنگش را می پوشانند، داشت برای من از نوزاد خواهرش که چقدر قشنگ بود و هدایایی که فامیل شوهر بمناسبت تولد کودک پاد داده بودند و سایر مسائل قشنگ زندگی سخن می گفت که ناگهان در اطاق شدت باز شد و دو مامور انتظامی بداخل اطاق آمدند مادر پشت سرشان بود و باعصابیت هر چه تمامتر، ما را نشان میداد و چیزهایی راجع به زنا می گفت، گنج شدم و نتوانستم حرفی بزنم یا دفاعی بکنم یکی از مامورین بهناز را و دیگری مرا تحت الحفظ از اطاق خارج کردند و به کمیته برهه، اول بهناز را مورد بازجویی قرار دادند و سپس بسراغ من آمدند و از من راجع به رابطه ام با بهناز سؤال کردند، آنچه واقعیت

بودند پدرش گفت تو و بهناز پدر ندارید من پدر هر دویتان می شوم و کارتان را درست می کنم وقتی ازدواج کردید از سرزبانها می افتید و مردم می فهمند که تهمت ناروا بوده، دسته جمعی بخانه بهناز رفتیم، مادرس را از رسوائی دختر خبر کرده بودند و پریشان بخانه بازگشته بود. در را برویمان گشود. من شرمگین آخر از همه وارد شدم. پدر محسن مرد کاردان و خوشبختی بود با محبت برخورد کرد و غم و پریشانی را در خاطر مادر تخفیف داد اما بهناز انگار در این عالم نبود فقط نگاه میکرد و درنگش هیچ چیز نمی توانستم بخوانم، نه عشق، نه زندگی، نه نفرت، نه شرم، برق یک تصمیم عجیب، گاهی میان مردمک چشمش هویدا و باز خاموش می شد.

مادرس گفت به بهناز گفتمام برادرانت فردا خواهند آمد و ننگ ترا از دامان ما خواهند شست.

پدر محسن گفت سوء تفاهم شده مردم شهر حقیقت را خواهند فهمید قصه نخورید، همه کارها، درست می شود. برخاستیم و خداحافظی کردیم. بهناز قرار به زنا کرده است! مبهوت ماندم. آیا بهناز میدانست که چه گفته است؟

انگار من فایده ای نداشتم. چون هردو مجرد بودیم ما را به صدمه شلاق درملاء عام محکوم کردند. میدان بزرگ شهر را آماده کردند، مردم جمع شدند و حکم اجرا شد. پس از اجرای حکم، بطرف خانه برآه افتادم، محسن گریان سرگوجه منتظر بود، باهم بخانه رفتیم و توی اطاق نشستیم محسن گفت باید یک کاری بکنی آبروریزی بزرگی بود، باید امشب بخانه بهناز برویم و خواستگاریش کنی. خودت تصمیم بگیر، یک طوری می شود فکر جا و خرج زندگی را نکن، اگر گدائی هم کنی دیگر حق نداری بهناز را همین طوری معطل کنی، بخانه محسن رفتیم. پدر و مادر محسن هم ناراحت

همیشه مهربانی تر بود دیگر چادر و سرش نبود، مادر محسن رویش شد، دستش را در دست گرفت و گریه گفت تمام شده، کاری نمی شود. اهل محل کلانتری خبر کردند. آمدند و جسدش را پزشکی قانونی بردند، معاینه کردند کالبدشکافی کردند و جواز دفن صادر شد. پزشک قانونی گفت رو قبرش بنویسید دوشیزه ناگام او مرگ خود بی گناهی و عفت خود ثابت کرد. مادرم بر سر روی خد زد که نمی دانستم اینطور می شود می خواستم پای این دختره را از خاک و زندگیم ببرم!

مردم شهر عزا گرفتند، همانها که نماشچی شلاق خوردن او بودند، تشییع جنازه اش شرکت کردند. انتخاب مرگ از جانب او، مفهوم زندگی برای من تغییر کرد. تا آنروز سعادت را در ارضای تمایلات غریزی میدانستم، برای من تولد بزرگ شدن در رفاه، موفقیت در تحصیل و شغل و تشکیل خانواده، تولید نسل، عنایت سعادت چهار بود، و بمن آموخت که عشق بی نیستی و مرگ همانند عشق بزندگی با آن صلابت و سردی حقیقی اش کششی فریبنده است و تمایلات بالاتر از خواسته های مادی، مانند عشق بوطن، عشق به شرف، الهیان انسان بودن، ایثار کردن وجود دارم که ما را بسوی خویش میخواند. آن ندای آسمانی اسلام که از درون می جوشید و بپوشی آرزوهای خام را می نمایاند، لبیک گفته و در بسبب ثبت نام کردم و به جبهه اعزام شده مادرتنها ماند، تا کفاره نادانی مصیبتش را، در ندامت خویش بپردازد و من در فواصل جنگ دفاع و برنامه های رزمی بان دختر بی گناه و چادرش میبندم که قربانی عشق و بی ارادگی من در تصمیم زندگی، هوسرانی پدرش نادانی مادرم و هیچان مردم شهر برای تماشای حکم زنا شد.

بقیه از صفحه اول

من در خانه خود، در زندگی عادی خود، سایه‌ای از خوشبختی، از اشک مرورت، از خاطره نیکوئیهای گذشته و از دوستی‌ها بدنبال ندارم تا ترک جهان برآیم ملالت‌آور باشد. بقای زندگی در صورتی ارزشمند است که برای پیروزی حقیقت باشد. و این برای پیروزی حقیقت باید بود. ما مردم شرافتمند ایران هستیم ستم شده‌ایم. پس بساید از آن ستم‌ها همیشه بجنگیم و رساتر از آن ستم‌ها بانگ برداریم که ذلت و خویش را تحمل نخواهیم کرد. ما جوانی که امروز در جبهه می‌جنگیم مسئولی و قناری در پشت جبهه هستیم. ما را در راهمان راهمان را ادامه خواهیم داد. بر جهان ظلم و کفر خواهیم افکند و انتقام ما را خواهیم گرفت. نه تنها انتقام ما، که انتقام شهدای قبل از ما و انتقام مردم جهان سوم را از ابرقدرت غرب، که پس از جنگ جهانی میان خود تقسیم کردند تا با همه دوزوکلک و اظهار محبت و حسن و تجدد به بیراهه کشانند، برانگیزانند، بدوشندان و با خواری شخصیت اصیل ما را سازند. چه ماهرانه توانستند ما را سالیان دراز در خواب نگاهدارند و نقشهای شیطانی را عملی سازند. اینک نوبت مجاهدت ما فرارسیده است. ملت ایران و نسل‌های بعد از ما باید آگاه باشند که لاشخوران بر بالای جسد ایران منتظرند، اما آرزوی دست یافتن به ایران را بگور خواهند برد. زیرا ما از مدارس سنگر می‌سازیم. از شاگردان، مردان مسلح تربیت می‌کنیم و از کودکانمان دل‌های پرجرات مملو از کینه بوجود می‌آوریم که خصم زیون نتواند به آرزوی دیرینه خود دست یابد. رنج من رنج غربت نیست، رنج دوری از پدر و مادر، رنج دوری از دو خواهر عزیزتر از جانم و رنج دوری از کلاس و مدرسه و دوستانم نیست. رنج من خشم و کینه‌ایست که اکنون فقط بخاطر آن زنده‌ام، خشم

عاشقان راه حق چه میخواهند؟

*** بقای زندگی در صورتی ارزشمند است که برای پیروزی حقیقت باشد.**

ستمگرانه بدست دژخیم عرب، آن سرسپرده کفار، شهید می‌شوند برای تاریخ جهان بگویند و اشک از دیده‌های آیندگان سرازیر کند. بعد از مراسم صبحگاهی مسافتی طولانی را می‌دویم، در حالیکه در قلبمان امید بازگو شدن ماجراهایمان جوانه می‌زند تا لااقل فرزندان یتیم و زنان



بیوه تسلی یابند و جهانخواران عالم که راهزنان منفور بشریت هستند بر خود بلرزند. حالا دیگر به ساعتی از برنامه روزانه می‌رسیم که باید در رود کارون پس از آنهمه دوندگی شناور شویم و خستگی و عرق را از تن بدر کنیم و هوای داغ اینجاست، رود کارون را چون حوض کوثر با صفا می‌نمایند. صبحانه پس از شنا، برای ما جوانان گرسنه که تن و جان و روحمان در حال رشد و پرورش است بسیار دلچسب است. اینجا لذت مادی خوردن مانند لذت معنوی

عشق به پاسداری از اسلام و لبیک به امام وجود دارد. چه می‌توان کرد بشر اسیر قفس بدن است و هنگامی از اسارت دور می‌شود که عاشق باشد. عاشق خدا، عاشق اسلام، عاشق امام و رهبری، این عشق بود که مرا راحت گذاشت که سر کلاس بنشینم و بدرس استاد گوش دهم.

خوهران و همه دوستان واقوام و مربیان خود التماس دعا و طلب مغفرت دارم.

من زمان انقلاب کودکی بیش نبودم اما علاقمندان به برقراری حکومت عدل اسلامی بودم. زمانی که مشغول بدعا هستید، ای یاران یادی نیز از من بکنید. سال سوم هنرستان فنی در تهران بودم به چه کارم می‌آید؟ دل ستم‌دیده من طالب جبهه است تا دست ظالمان را کوتاه نماید برای همین هم تهران را، خانواده را، ترا ای دوست نازنین، وداع گفتم و به جبهه آمدم. اینجا هم خود دانشگاهی است. دانشگاه امام حسین (ع) است. اینجا شور و عشق همراه درس جنگیدن ما را به پیش می‌راند. ای حق و عدالت چه جاذبای در تو نهفته است که حسین (ع) را از مکه و طووف خانه خدا در ماه ذی‌الحجه دور می‌سازی و به کربلا می‌کشی تا بدنش را پاره پاره تقدیم حق سازد؟ من کوچکتر از آنم که حسینم را درک کنم. اما دوستش می‌دارم و او الگوی بزرگ من در طول حیاتم است. لحظه به لحظه لقاءالله، عزرائیل عزیز آن فرشته نجات را در بر گرفتن و دعوت حق را لبیک گفتن، آرزوی من است. امروز که دست راستم مورد اصابت گلوله قرار گرفت درد را نمی‌فهمیم. عشق حق در من شرار افروخته است من چه میدانم که دستم سوخته است هم‌زمانم مرا به بیمارستان منتقل کردند دستم را معالجه کردند و هنوز کاملاً خوب نشده بی‌آنکه برای مرخصی به تهران بیایم مجدداً به جبهه بازگشتم چرا؟ که عاشق بودم و عاشق بیقرار است و سودای زندگی در سر ندارد.

کلاسهای عقیدتی و نظامی مرا بیشتر ارضاء می‌کند. اکنون من هفده ساله هستم، از کودکی قرآن را فرا گرفته و از قاریان آن بودم و جوایزی نیز از مسجد چهارده معصوم دریافت داشتم و همیشه سعی کرده‌ام بنا بر تعلیمات محمد (ص) پیغمبر بزرگ جهان، خوش اخلاق و خوش برخورد و دلسوز و خیرخواه دیگران باشم. زیرا او جز برای گسترش سجایای اخلاقی برانگیخته نشده اما نمی‌دانم تا چه حد موفق بوده‌ام بهرحال از پدر و مادر و

و نهی از منکر رواج بسیار دارد. هر کس خود را می‌سازد و دیگری را ارشاد می‌کند. اینجا دیگر منیت، غرور، خود محوری یا احساس حقارت از کارهای ابلهانه و کود کانه وجود ندارد.

همه یکسان هستیم، آلوده و پراگناه و مسترخص ساخته شدن و ساختن هم‌زمان. اینجا دیگر خجالت معنا ندارد زیرا خراستار العیوب است. و در محضر خدا از گناه خویش شرمساریم اینجا خدا حاکم مطلق است و رحمت بیکرانش شامل حال همگی ما میگردد ما از گناهان یکدیگر با محبت می‌گذریم و همگی برای بدست آوردن رحمت خدا آماده میشویم. هر شب به یکدیگر یادآوری می‌کنیم که حضرت علی (ع) در محراب شهید شد، علی اکبر همراه پدر در کربلا به شهادت رسید. به یاد می‌آوریم که دلنگی و دلسوزی برای مادرانمان کاری. عبث است زیرا حضرت زینب (ع) شهادت ۷۲ تن را یکجا محتمل شد پس چه باک از شهادت هر یک از ما و چه اندوهی بر مادران داغدار ما!

همگی در آخر وصیت نامه‌هایمان نوشتیم اشهدان لاله الاالله. اشهدان محمداً رسول الله. اشهد علیاً ولی الله. اشهدان الجنة حقاً و ان النار حقاً و ان النشور حقاً و الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور.

اینک که در زمان غیبت امام زمان (ع) بسر می‌بریم، اطاعت از ولی فقیه بمنزله اطاعت از اوست و بخاطر اطاعت از او عزت را بردالت ترجیح می‌دهیم.

آه ای دوست نازنینم ای محمودم، اینک که دل رنجیده من که عمری در جستجوی عدل و حقیقت کینه ورزیده است. دست از کینه تواری باز داشته و بار رنج جانگناه خود میسازد تا تو نیز ای دوست با تقوایم پس از مرگ من بیاد من راه برادرانت را برای استقرار حق و عدالت ادامه ده.

زندگی نامه شهید محمدرضا جباری ۶۵/۶/۱۷

دیگر نخواهیم گذاشت مردم جهان ما را ملتی حقیر و خفیف و ترسو و احمق بنامند. ما که هر روز با طلوع خورشید از زنده ماندن خویش در عجبیم و تمام روز را نیز چه هنگام نماز و مناجات، چه زمان به خط شدن در ساعت ۵ و بیست دقیقه، با اسلحه و کوله پشتی جا نارنجکی و قمقمه و وسایل سنگین، بسوی صبحگاه رفتن، امیدمان تنها به نسل بعد است تا ماجرای اینهمه پاکدامنی را که

مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

واحد خبر

*** کمبود محسوس مواد غذایی در بغداد**
روزنامه نیویورک تایمز نقل از مسافرائی که اخیراً از بغداد بازگشتند نوشت: برای نخستین بار کمبود مواد غذایی و محصولات کشاورزی و دیگر مایحتاج مردم در بغداد بشکل محسوس بچشم میخورد، در حالیکه رژیم عراق تاکنون سعی میکرد پایتخت خود دچار کمبود مواد غذایی نشود. مردم بسیار خسته و ناراحت هستند و فشارهای اقتصادی قابل لمس است و اگر آرد آمریکایی بموقع وارد بغداد نشود عراق نان ندارد که بخورد!

*** وضعیت ارتش بعث بدنبال آزادسازی فاو**
آزادسازی بندر استراتژیک فاو که بحق نقطه عطفی در مسیر جنگ تحمیلی بشمار می‌آید ضربه مهلکی به ساختار ارتش صدام وارد نموده است.

ارتش صدام بعد از عملیات فاو تا بحال بیش از یکچهارم نفرات خود را از دست داده و در حدود ۱۵۰ فروند هواپیما و هلیکوپتر مدرن نظامی متلاشی شده است.

این امر باعث شد تا این رژیم بشدت دچار کمبود نیرو شود و هزاران تن از دانشجویان و معلمان مدارس و دانشگاههای عراق را با زور و تهدید در جبهه نگهدارند و سال تحصیلی این کشور را تا اطلاع ثانوی لغو نماید.

*** برزیل ۲ میلیارد دلار اسلحه به عراق می‌فروشد**
برزیل دومیلیارد دلار اسلحه به عراق می‌فروشد. به نوشته روزنامه (اولگلوبو) چاپ ریودوژانیرو، این قرارداد در عرض چندروز آینده به امضاء خواهد رسید.

روزنامه مذکور این خبر را از محافل نظامی و دیپلماتیک برزیل بدست آورده است. اما هنوز رسماً این گزارش تأیید یا تکذیب نشده است. براساس این گزارش کمپانی‌های برزیل ۳۰۰ تانک مجهز به توپهای ۱۲۰ میلی‌متری، که از نوع تانکهای اوزوریو است، و همین مقدار زره‌پوشهای سبک از نوع کاسکاول و تعداد زیادی موشک‌انداز به عراق تحویل داده خواهد شد.

مقامات برزیلی فاش نکردند که مبلغ این اسلحه را از چه کشوری و

نظامی جدیدی به ارزش ۴۹۳ میلیون دلار با تأمین کنندگان فرانسوی تسلیحات منعقد نموده است.

*** ایتالیا با قسطنطنیه مجدد بدهی رژیم صدام موافقت کرد**
در پی دیدار اخیر وزیر صنایع رژیم از ایتالیا و انجام مذاکراتی با وزیر بازرگانی خارجی این کشور، ایتالیا موافقت کرد پرداختهای عراق که سررسیدن آن در سال ۱۹۸۶ است به صورت پنج قسط شش ماهه از اول ژوئیه سال ۱۹۸۹ پرداخت خواهد شد.

عراق متعهد شد تا بهره ناشی از این تعویق را یکجا پرداخت کرده و مشکلات ناشی از اوراق اعتباری را حل نماید.

پیام باهر

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و هنری

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
اعظم علانی طالقانی

آدرس:
خیابان هدایت بعد از چهارراه شهید نورمحمدی (تنکابن)

تلفن: ۳۱۵۶۵۶

چاپ از: ایرانچاپ

اطلاعات
تلفن: ۲۲۸۱

چگونه دریافت خواهند کرد؟

*** ملاقات سفیر صدام در واشنگتن با مقامات صهیونیستی**
خبر ملاقات نزار حمدون سفیر صدام در واشنگتن با چندتن از مقامات صهیونیستی در تاریخ ۸/۷/۲۴ و در محل سفارتخانه این کشور در امریکا تأیید شد.

سفیر صدام در این دیدار خواستار توسعه همکاری میان دورژیم صهیونیستی شده و اظهار امیدواری کرد که (اسرائیل) نقش مهمتری در حمایت از صدام ایفا کند.

*** کمک ۲۵۰ میلیون دلاری عفلق برای تبلیغ دین مسیحیت**
مطبوعات ایتالیا اخیراً گزارش دادند میشل عفلق بنیانگذار حزب صهیونیستی بحث مبلغ ۲۵۰ هزار دلار به اداره اعزام مبلغین مسیحی در واتیکان کمک کرده است.

قابل ذکر است اخیراً گردهمایی بزرگی با شرکت هزاران تن از رهبران مذهبی مسیحیت در واتیکان برگزار شده و در پایان آن قطعنامه‌ای بمنظور مسیحی کردن تمامی قاره آفریقا تا اواخر قرن جاری (در عرض ۱۴ سال آینده) تصویب رسید.

در این کنفرانس از کلیه مسیحیان جهان دعوت شد تا کمکهای مالی خود را برای تحقق این طرح به واتیکان بفرستند.

اینگونه اموال مردم مسلمان و رنج‌دیده عراق توسط مشتکی افراد صهیونیست و کافر به یغما می‌رود و در راه اجرای نقشه‌های استعماری و صلیبی مصرف می‌شود.

*** سازمان یونسکو ارزشیابی مدارک دانشگاههای عراق را متوقف کرد**
سازمان فرهنگی آموزش یونسکو (وابسته به سازمان ملل متحد) اخیراً ارزشیابی و تأیید مدارک دانشگاهها و مدارس عالی عراق را متوقف کرد.

بنظر میرسد علت این اقدام، تعطیل شدن دانشگاهها و نابسامانیهای موجود در سیستم آموزشی رژیم عراق میباشد.

از سوی دیگر بدنبال شدت یافتن جو خفقان و ارعاب در عراق درصد قبولی مدارس و مؤسسات آموزشی این کشور به ۴۳٪ کاهش یافت.

*** انگلیس مصادره ساختمان بانگ رافدین عراق را بررسی میکند**
در پی شکایت چند شرکت بازرگانی انگلیس علیه بانک رافدین عراق بعلت ناتوانی در پرداخت بدهی‌های معوقه، دادگاههای این کشور موضوع مصادره ساختمان بانک رافدین جهت وصول مطالبات این شرکتها را بررسی می‌کند.

یادآور میشود رژیم عراق یک بدهی عظیم نظامی دارد که تخمین زده میشود تا پایان سال ۱۹۸۵ در حدود ۱۵ میلیارد دلار باشد که قسمت عمده آن را به شوروی بدهکار است و در سال جاری سفارشات

تحلیلی بر جنگ رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول
بموجب موازین حقوق بین‌المللی (۵۱ منشور ملل متحد) مجاز شناخته شده، در مقابل تجاوز رژیم عراق ایستادگی کرده و از تودیت و حاکمیت خویش دفاع می‌کند. در آنچه که مربوط به حقوقی عمل متجاوزانه رژیم میشود باید با قاطعیت پذیرفت رژیم مزبور با طرح و نقشه قبلی و قصد اشغال سرزمین ایران و تازای نظام جمهوری اسلامی در دست به تجاوز زده است. در مقوله شواهد و مدارک فراوانی وجود است که ذیلاً به توصیف می‌پردازیم.
این رابطه قضیه را باید از دو مقابل مطرح نظر قرار داد: بررسی به وضعیت کلی جمهوری اسلامی ایران در روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از وقوع تجاوز رژیم بعثی. اقدامات انجام شده بوسیله رژیم بعثی در همان زمان که کلاً گویای تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران میباشد.

غیرنظامی.
۴- طرح فروش تجهیزات مدرن نظامی موجود از قبیل ناوها و ناوچه‌های نیروی دریائی و هواپیماهای F-14 نیروی هوائی.
۵- خروج از پیمان نظامی سنتو.
۶- اخراج بیش از ۴۰ هزار نفر از کارشناسان و مستشاران نظامی

جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت خود بارزترین دلیل بر عدم قصد حمله ایران و حتی عدم آمادگی کافی در روزهای اول جنگ برای مقابله با چنین تجاوز گسترده‌ای بوده است.
با در نظر گرفتن حقایق مسلم فوق‌الذکر اینک میبایست پرسید که

همگامی و پشتیبانی دیگر ملل مسلمان در مبارزات حق خویش بوده و علاوه بر آن در قانون اساسی خود نیز بر احترام به تمامیت ارضی کشورها بعنوان یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی خود تأکید و تصریح نموده است و در تعقیب همین سیاست است که



از نظر دین مبین اسلام در جامعه اسلامی هیچ نوع تبعیض نژادی وجود ندارد و تنها تقوا میزان فضیلت افراد می‌باشد. بنابراین تلاش مذبوحانه رژیم بعثی عراق در راه ناسیونالیسم عربی جلوه دادن این جنگ تحمیلی به دلیل سستی ادعا و استدلال و نیز با توجه به سفسطه‌های تاریخی از قبیل «قادسیه جدید» و نظایر آن هیچ نوع موفقیتی کسب نکرد.

آمریکائی.
۷- جمع‌آوری دستگاههای استراق سمع و جاسوسی آمریکائی از خاک ایران.
۸- متوقف نمودن طرح احداث پایگاه نظامی عظیم چاه بهار.
۹- خروج نیروهای ایرانی از عمان.
۱۰- تقلیل فروش نفت و تحریم فروش آن به اسرائیل و آفریقای جنوبی.
۱۱- قطع رابطه سیاسی- اقتصادی- نظامی با اسرائیل و آفریقای جنوبی.
۱۲- فراخواندن پرسنل نظامی ایران که برای تحصیل علوم نظامی به کشورهای غربی اعزام شده بودند.
۱۳- فراخواندن وابسته‌های نظامی ایران از کشورهای خارجی.
۱۴- انحلال پاره‌ای از قسمت‌ها و واحدهای نظامی ارتش.
۱۵- پیشروی چند روزه اوایل جنگ نیروهای متجاوز صدام تا اعماق بیش از ۶۰ کیلومتری خاک ایران از یکطرف و از طرف دیگر شکستهای متوالی و بازپس‌گیری شهرها و روستاهای اشغال شده توسط رزمندگان اسلام که پس از انسجام تدریجی نیروهای نظامی و مردمی

جمهوری اسلامی ایران چگونه میتوانسته است در شرایطی که علاوه بر موارد فوق در محاصره اقتصادی نیز قرار داشت قصد حمله و هجوم به کشورهای دیگری را داشته باشد؟ بعلاوه جمهوری اسلامی ایران از بدو پیروزی انقلاب در جستجوی

۱- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها
۲- عدم تجاوز
۳- عدم دخالت دولتها در امور داخلی یکدیگر.
۴- برخورداری کشورها از حقوق مساوی.
۵- همزیستی مسالمت‌آمیز.
امام خمینی رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی و پایه‌گذار جمهوری اسلامی ایران میفرماید: «ما با هیچ کشوری چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر جنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم و تاکنون نیز به دفاع که برای هر کس فریضه‌ایست الهی و حق است انسانی برخاسته‌ایم هرگز قصد تجاوز به کشورهای دیگر را نداریم و میخواهیم کشورهای اسلامی در کنار هم با تعهد اسلامی به دفاع از حقوق مسلمین و کشورهای اسلامی در مقابل متجاوزان و متجاسران مانند اسرائیل بایستند.»

ب- سبق تصمیم و طرح و نقشه قبلی رژیم بعثی بمنظور شروع حمله و تجاوز علیه جمهوری اسلامی ایران.

بموازات پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رژیم بعثی حاکم بر عراق دست به یک سری اقدامات در زمینه‌های گوناگون عمدتاً نظامی سوق‌الجیشی و تبلیغاتی می‌زند و این اقدامات کلاً نشانگر تهیه و تنظیم نقشه و طرح حمله به جمهوری اسلامی ایران از جانب عراق میباشد. پارهای از این گونه اقدامات بشرح ذیل و به اجمال مذکور خواهد افتاد:
۱- افسانه صدام تحت عنوان «قادسیه صدام» یا «قادسیه دوم» در این زمینه سردمداران بعثی فیلمی با مخارج سنگین تهیه کرده‌اند تا به اصطلاح خودشان این افتخار تاریخی را ثبت نمایند. آیا کسی که نام قادسیه را، که یکی از جنگهای آزادبخش فرماندهان و لشکریان مومن صدر اسلام بوده، به حمله متجاوزانه خود

میگذارد، درحالیکه در ایدئولوژی و عمل اساساً اعتقادی به اسلام ندارد. آغازگر حمله و تجاوز بوده است یا کشوری که براساس همین نامگذاری باید جای سپاه شکست خورده و یزدگرد سوم ساسانی را بگیرد؟ بدیهی است در این قیاس معالفارق فقط و فقط عنصر تجاوز و حمله است که گریبان رژیم صدام را میگیرد و دیگر هیچ.

که مستلزم امری خارج از عدالت و احسان باشد؟ البته در این قسمت از بحث و بیابان امور کلی فعلاً وارد مسائل نمی‌شویم همانگونه که اشاره شد در چند مورد طرح مسئله جنسیت (زن و مرد بودن قاتل یا مقتول جانی و منجی علیه) مورد توجه است و دارای احکام مجزا و روشن و دارای تفاوت‌هایی است که جای سؤال دارد و باید رفع ابهام در این زمینه بشود و پاسخ شبهه‌ها و مسئولات مقدر و محتمل و اشکالات مشخص گردد.

نکته دیگر مسئله مربوط به غیر مسلمین یا به اصطلاح (اهل ذمه) است که در جامعه اسلامی فعالیت و مشارکت زندگی دارند و با مسلمین هم قابل بحث است بعد هم چنانکه اشاره شد نقش مسائل اقتصادی و پرداخت دیه یا خونیه نیز مسئله قسامه و تبیین آن مطرح هست و همانطور که گفتیم بسیار مناسب است که یک بحث حقوق تطبیقی (مقایسه‌ای) در تمامی این زمینه‌ها انجام گیرد، یعنی با در نظر گرفتن قوانین مشابه، به جهت ضعف و قوت در هر مورد تسوچه شود
بقیه در صفحه ۴

۲- درست در همین مقطع زمانی خرید تجهیزات مدرن نظامی بوسیله رژیم افزایش می‌یابد از قبیل انعقاد قراردادهای خرید هواپیماهای مدرن میراژ و هواپیماهای مدرن روسی میگ ۲۵ و ۲۷ و توپولف.
۳- همزمان با اقدامات فوق‌الذکر رژیم بعثی اقدام به احداث راههای ارتباطی مرزی مینماید.
۴- نیروهای عراقی مستقر در مرز ایران و عراق به نحو بازرری تقویت میشوند احداث پاسگاههای مرزی جدید و تقویت پاسگاههای قدیمی و ایجاد موانع نفوذی از قبیل سنگرهای بتونی-سیم خاردار- مناطق مین گذاری شده و غیره از این قبیل اقدامات میباشد.

۵- رژیم حاکم بر عراق در تاریخ ۵۸/۹/۱۵ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۹) متولدين سالهای ۱۹۵۵/۵۶ را برای خدمت احتیاط احضار نموده و برنامه‌های تمرینات رزمی همه روزه بمدت ۴ ساعت برای کلیه پرسنل نظامی خود تنظیم مینماید.
۶- رژیم بعثی عراق قبل از آغاز جنگ بیش از ۷۳۷ بار بوسیله آتش توپخانه زرهی و بمباران هوائی، مناطق مرزی، اراضی، پاسگاهها دهات و شهرهای مرزی ایران را مورد تهاجم قرار داده است. که از آن میان نقض حریم هوائی ایران به تعداد ۱۸۲ بار در فاصله مارس ۱۹۷۹ تا سپتامبر ۱۹۸۰ صورت گرفته است. البته هدف از اینگونه اقدامات تجاوزات تحریک آمیز و آوار نمودن ایران به واکنش متقابل مالا توجه تجاوز و حمله سراسری و گسترده خود به سرزمین ایران بوده است.*

توجه بدین نکته ضروری است که کلیه ارگانهای نظامی و غیرنظامی و نیز وزارت امور خارجه ایران در کشاکش‌های طبیعی ناشی از انقلاب بوده‌اند. ولی در بسیاری موارد اعتراضی به تجاوزات انجام شده صورت نگرفته است.

۷- فراخوانده شدن نیروهای ذخیره ارتش عراق به استثناء افراد ایرانی‌الاصل. آیا این نکته که رژیم بعثی افراد ایرانی‌الاصل نیروهای ذخیره ارتش را مستثنی نموده و بقیه را فراخوانده است به تنهایی حاکی از این نیست که رژیم مزبور صرفاً به منظور شروع حمله و تجاوز علیه ایران تهیه و تمهید مقدمات مینموده است؟
۸- قبل از شروع جنگ منشور عربی صدام دایر به رفع اختلافات میان دول عربی به این دول ارائه شده است.

۹- همزمان با سایر اقدامات عراق روابط نزدیک با کشورهای مرتجع منطقه برقرار مینماید در حالیکه در اساسنامه حزب بعث باصطلاح با ارتجاع مخالفت شده است.
۱۰- تلاش‌های همه جانبه بمنظور تثبیت بغداد بعنوان مرکز تصمیم‌گیری‌های جهان عرب.
۱۱- برقراری تماس‌های نزدیک از جانب رژیم حاکم بر عراق با دول غربی و اعطاء امتیازهایی به آنان.
۱۲- قبل از شروع جنگ، صدام مبلغ یکصد میلیون دلار به اردن میبرداند تا تدارکات جنگی از طریق بندر عقبه بطور مرتب دریافت نماید در حالیکه میدانیم نوعاً رژیم‌های اردن و عراق تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در حال ستیز بوده‌اند.

۱۳- انتقال هواپیماهای مسافری و نظامی از عراق به فرودگاههای عربستان سعودی و اردن بمنظور حفظ سلامت آنها.
۱۴- انتقال کشتیهای باری-تجاری عراق از شط‌العرب و بندر بصره به بنادر و مناطق دیگر.
۱۵- تغییر نام و محل ثبت کشتیهای تجاری عراق بمنظور مصون ماندن از واکنشهای احتمالی ایران.

سخنی در باره احکام جزائی

نخواستار قرار باشد اقدامات لازم صورت نگیرد، در مقام عمل مسائل بغرنج و پیچیده و احیاناً مشکلات غیرقابل جبرانی را از نظر معرفی اسلام به جهانیان پیش آورد ولی با توجه به اینکه قوانین اجتماعی قضایی با احتیاجات مردم سروکار دارد، خود بخود نقاط ضعف اینها بتدریج و در عمل مشخص می‌شود. امید است که بشرط پی گیری متناسب و با توجه به واقع‌بینی و حقیقت‌گرایی رو به تکامل نیز برود و احکام اسلامی طوری عرضه شود و طوری مورد اجرا قرار گیرد که معرف عدل اسلام و توحید اسلامی باشد و تحولی در همه مقررات مشابه در سطح جهانی بوجود آید. بازشناسی مسائل اجتماعی در اسلام البته بعنوان شروع همانطور که

بقیه از صفحه اول
مختلف بشری نگردد، مسئله تاحدود زیادی سطحی جلوه خواهد کرد و اصولاً اگر بیانگر و تحقّق بخش عدالتی درخور روح توحیدی اسلام نباشد که محور تمام احکام اسلام است بیان چنین حکم یا احکامی نه تنها فقط نوعی «قصور» و «تقصیر» بلکه شاید حتی، «خیانت» به اسلام خواهد بود. هرچند که طرح اینگونه مسائل بهر حال آنها را از تعطیلی دوسه قرنه بیرون آورده و مسئله نیز از نظر قانون‌گذاری در دست محققین مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار می‌گیرد و به مرحله تکامل تدریجی و رفع نواقص و نقایص خواهد رسید یعنی حالا ممکن است بسیار ناقص مطرح شود و حتی پیش‌بینی می‌شود که قبل از بحث و فحش‌های دقیقتر و یافتن تجربه‌های عملی در هر زمینه از آنجا که متأسفانه هنوز پاندازه کافی قاضی درست و حسابی هم که در خور یک نظام اسلامی باشد در کنار نیست (با آن اهمیت و ارزشی که اسلام به مقام «قضاء» داده است) و بی‌وجودش بسیار نادرست، در مقام اجراء پیش‌بینی می‌شود و بیم آن هست که اگر خدای

بررسی و ثبت اختراع

نشریه داخلی سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران

بقیه از شماره قبل

بقیه از شماره قبل

فعالیت‌های پژوهشی ۶ ساله جهاد دانشگاهی

همزمان با هفتمین سالروز تأسیس جهاد دانشگاهی، گزارش‌های فعالیت‌های تحقیقاتی این نهاد طی ۶ سال گذشته منتشر شد. برپایه این گزارش دفتر جهاد دانشگاهی طی این مدت علاوه بر انجام کارهای فرهنگی و علمی، توانسته‌اند حدود ۴۰۰ پروژه تحقیقاتی را به اجرا درآورند. این پروژه‌ها در ۵ گروه فنی و مهندسی، پزشکی، علوم پایه، کشاورزی و علوم انسانی بوده است.

این گزارش همچنین حاکی است از طرح‌های تحقیقاتی انجام شده تعداد ۱۰ طرح برای جبهه‌ها و امور نظامی بوده است که عنوان برخی از آنها به قرار زیر است: طرح ساخت آمبول آمین نیتريت، طرح کنترل از راه دور خودروهایی سنگین، طرح مفرق شناورها با کنترل از راه دور، طرح دکلهای دیده‌بانی، طرح شناخت آلیاژ و قطعات فانوم، طرح تهیه سوخت جامد برای انواع جنگ افزار، طرح ساخت و تهیه وسایل ایستکی چند نوع سلاح و...

همچنین به گفته دبیر شورای مرکزی جهاد دانشگاهی واحد انتشارات این نهاد طی ۲/۵ سال گذشته اقدام به تهیه و انتشار ۷۵۰ عنوان کتاب، در زمینه‌های مختلف علمی کرده است. یادآور می‌شود، علاوه بر فعالیت‌های

جایزه کرافورد یکی از بزرگترین توایز رشته علوم، در سوئد به شمار می‌رود که هر ساله در یکی از رشته‌های علوم ریاضیات، علوم بیولوژیکی، ستاره‌شناسی و علوم زمین اعطا می‌شود و مبلغ آن یک میلیون کرون سوئد، معادل ۱۴۰۰۰۰ دلار آمریکا است.

این جایزه پنایر وقف هولگار-کرافورد (۱۹۸۲-۱۹۰۹)، کارخانedar سوئدی و بنیانگذار بنیاد کرافورد، به آکادمی علوم این کشور اعطا می‌شود.

قرار است، جایزه امسال کرافورد طی مراسم باشکوهی در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۶ (۲ مهر ۱۳۶۵) توسط کارل گوستاو دوم پادشاه سوئد به برندگان هدیه گردد. «فلوهن» پروفیسور آلمانی برنده جایزه هوشناسی شد.

جایزه سازمان هوشناسی بین‌المللی که هر ساله به یک کار برجسته در زمینه هوشناسی یا هیدرولوژی عملیاتی و همکاری بین‌المللی در این رشته داده می‌شود، در سال جاری میلادی به یک پژوهشگر آلمانی یعنی پروفیسور هرمن فلوهن از دانشگاه بن تعلق گرفت.

به گزارش خبرنامه سازمان هوشناسی بین‌المللی، تصمیم گزینش این پروفیسور آلمانی یعنی پروفیسور هرمن بعنوان برنده جایزه در سی و هشتمین نشست این سازمان که از تاریخ ۲ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۸۶ در ژنو برگزار شد، اتخاذ گردید.

پروفیسور فلوهن در سال ۱۹۱۲ متولد شد و دوره‌های تحصیلی گوناگونی را در رشته‌های جغرافی، هوشناسی ژئوفیزیک و ژئولوژی (زمین‌شناسی) گذرانید تا آنکه در سال ۱۹۳۴ دکترای خود را با نوشته رساله‌ای پیرامون مسائل ژئومورفولوژی اخذ نمود. از آن تاریخ تا سال ۱۹۶۱ پروفیسور فلوهن در سرویس هوشناسی آلمان به کار پرداخت که طی این مدت مشاغل مختلفی را در طیف وسیعی از زمینه‌های اقلیم‌شناسی سطحی، مطالعات اقلیمی، زیستی و هوشناسی-سینتاتیک برعهده داشت.

تلاشهای پروفیسور فلوهن از این تاریخ به بعد سبب تأسیس کرسی هوشناسی در دانشگاه بن گردید، ضمن آنکه وی در سطح بین‌المللی نیز از شهرت بسیاری برخوردار شد. این استاد دانشگاه بین سال ۱۹۷۷ که از سمت اداری‌اش به عنوان رئیس دانشکده هوشناسی بازنشسته گردید به تحقیق و همکاری بین‌المللی در شاخه‌های مختلف هوشناسی با سازمان بین‌المللی هوشناسی پرداخت.

پژوهشکده جنوب خراسان تأسیس می‌شود. منظور هماهنگی، هدایت و انجام تحقیقات علمی و اخبار گوناگون... فرهنگی در جهت توسعه امور فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی منطقه جنوب خراسان و سیستان و بلوچستان، پژوهشکده جنوب خراسان در بیرجند تأسیس می‌شود.

به گفته دکتر سیدعبدالله علوی رئیس مجتمع آموزش عالی بیرجند، پژوهشکده جنوب خراسان وابسته به این مجتمع خواهد بود و تاکنون عددهای از محققین محلی و منطقهای طی نامه‌هایی آمادگی خود را برای عضویت هیأت امنا و شاخه‌های تحقیقاتی آن اعلام کرده‌اند.

نمایشگاه بین‌المللی بیوانرژی- ۸۶ در سوئد برپا می‌شود.

بیوانرژی-۸۶، عنوان نمایشگاه بین‌المللی مربوط به بیوانرژی است که از تاریخ ۲۷ لغایت ۳۰ اکتبر ۱۹۸۶ (۵ لغایت ۸ آبان ۱۳۶۵) در شهر گوتن‌بورگ در کشور سوئد تشکیل خواهد شد.

در این نمایشگاه علاوه بر عرضه تولیدات تجاری و ارائه آخرین دست آوردهای فنی مربوط به این رشته، یک سری کنفرانس و سخنرانی نیز

بیوانرژی-۸۶، عنوان نمایشگاه بین‌المللی مربوط به بیوانرژی است که از تاریخ ۲۷ لغایت ۳۰ اکتبر ۱۹۸۶ (۵ لغایت ۸ آبان ۱۳۶۵) در شهر گوتن‌بورگ در کشور سوئد تشکیل خواهد شد.

در این نمایشگاه علاوه بر عرضه تولیدات تجاری و ارائه آخرین دست آوردهای فنی مربوط به این رشته، یک سری کنفرانس و سخنرانی نیز

تازه‌ها در ایران و جهان

۳۰ هزار بیماری که جراحی آنها غیرممکن است، کمک کنند. هزینه این روش یکسوم هزینه عمل جراحی است.

در پی شکست‌های امریکاییان در پرتاب سفینه به فضا، وزیر نیروی هوایی امریکا اعلام کرد در پنج سال آینده این کشور بجای پرتاب سفینه بیشتر از راکت استفاده خواهد کرد.

به گزارش رادیو امریکا برنامه پرتاب سفینه‌های نظامی به فضا توسط کیهان نوردان سرنشین‌دار به سبب انفجار فضاپیماي چلنجر که در

روش جدیدی برای باز کردن دریچه‌های تنگ شده قلب در افرادی که به دلیل بالا بودن سن و یا دلایل دیگر جراحی آنان امکان‌پذیر نیست، ابداع شده است.

به گزارش یونایتدپرس از بوستون «براساس این تکنیک، بادکنک کوچکی متصل به یک لوله از طریق یک سیاهرگ به دریچه آسیب دیده وارد می‌شود و آنرا باز می‌کند.

برپایه این گزارش پزشکان با استفاده از این روش که نیم ساعت طول می‌کشد، می‌توانند به ۲۰ تا

موقعیت زنان در چکسلواکی

زنان شاغل در چکسلواکی که در محیط کار خود با اشکالاتی در رابطه با نقش مادری خود یعنی آنچه که در سیستم اداری چکسلواکی به نقش سه گانه مادر- کارگر- شهروند تعبیر میشود مواجه هستند در حالیکه این سیستم به نقش سه گانه مرد بعنوان پدر- کارگر- شهروند هیچگونه اشاره نمیکند.

زنان چکسلواکی بدون ازدست دادن ارشدیت شغلی خود از مرخصی زایمان نسبتاً طولانی میتوانند استفاده کنند و کار فرمایان نیز پیش بینی می‌کنند که زنان علاوه بر مرخصی زایمان، برای مراقبت‌های اولیه طفل در چارچوب خانواده احتیاج به مرخصی‌های بیشتری

زنان شاغل را ۴۸٪ ذکر کرده است. ۱۹۷۱ جذب نیروی کار این کشور شدند زن بودند. تا اواخر ۱۹۷۶ حدود ۸۷ درصد زنانی که در سن کار قرار داشتند بکار گمارده شده و از این تعداد ۸۰ درصدشان بکارهای تولیدی مشغول بودند. تا نیمه دهه هفتاد زنان در زمینه‌های شغلی سنتی نظیر فروشندهی ۷۶٪، ارتباط جمعی ۵۸٪، خدمات بهداشتی ۷۹٪ و خدمات اجتماعی ۸۴٪ جذب شده بودند. علیرغم کوششهایی که در جهت بهبود سطح آموزش زنان صورت میگردد و با توجه به وسعت دامنه قانونی حمایت از زنان کارگر، هنوز تفاوت‌هایی ناشی از جنسیت در نوع پست‌های احراز شده (از نظر میزان مسئولیت) بین زنان و مردان این کشور وجود دارد. بعنوان مثال تا اواخر سالهای ۷۰ فارغ التحصیلان مرد دانشگاه ۷ برابر بیشتر از فراغ التحصیلان زن شانس احراز پست‌های مدیریتی را داشتند. این وضعیت در حال حاضر نیز هر چند علنی نیست اما عملاً در گوشه و کنار شواهدی از آن بچشم میخورد. و بطور کلی میتوان گفت علاوه بر جنسیت که در تئوریهای سوسیالیزم بدان توجهی نشده است برخی عوامل از قبیل عضویت در حزب کمونیست و غیره نیز موجب تفاوت‌هایی در وضعیت استخدامی زنان گردیده است.

جامعه زنان در چکسلواکی، حقوقی مساوی و تکالیفی هم وزن مردان دارند. زنان موظفند هر نوع کاری را که به آنها محول میشود انجام دهند «سیستم کار اجباری کمونیسم شامل این گروه نیز میشود.» نهایتاً زن بعنوان یک عنصر اقتصادی تولیدکننده و عبارت بهتر ابزار تولید، بکار گرفته میشود و طبیعی است که در این مسیر هر قدر پیش برویم زنان این کشور از نقشی که باید داشته باشند و در فطرت آنهاست دور شده و در عوض نقش موثری در رشد اقتصاد ملی خواهند داشت.

جامعه نسوان در چکسلواکی صاحب اتحادیه‌ای بنام اتحادیه زنان هستند که ظاهراً مدافع حقوق آنهاست، اما این اتحادیه نیز مانند سایر اتحادیه‌های این کشور زیر نظر حکومت انجام وظیفه می‌کند. در چکسلواکی اکثر زنان شاغل هستند و این مساله از یکسو انعکاسی از کمبود کارگر در این کشور بوده و از طرف دیگر از این اعتقاد سرچشمه میگردد که استخدام زنان پاسخی به برابری آنها با مردان بشمار میرود. اگر چه اشتغال زنان در این کشور سابقه‌ای بس طولانی دارد (در سال ۱۹۳۰ پیش از ۱/۲ نیروی کار چکسلواکی رازنان تشکیل می‌دادند.) در عین حال ارقام مربوط به میزان استخدام آنان بعد از جنگ جهانی دوم واقعا تکان دهنده بوده است. آخرین آمار موجود رقم

شماره حساب نشریه پیام هاجر: ۶۶۲ بانک صادرات تهران- شعبه ۵۷۱ خیابان هدایت میباشد.

اطلاعه
موسسه اسلامی زنان جهت کلاسهای ترم پایتیزه ثبت نام میکنند:
۱- کلاسهای ایدئولوژی- تفسیر قرآن- تاریخ اسلام- قرآنت قرآن
۲- کلاسهای زبان انگلیسی- زبان فرانسه
۳- کلاسهای سوادآموزی- دوره ابتدائی و دوره تکمیلی
۴- کلاسهای خیاطی- دوره صبح و بعدازظهر
ثبت نام همه روزه از ساعت ۹ الی ۵/۳ بعدازظهر
محل: خیابان هدایت بعداز چهارراه شهید نورمحمدی پلاک ۱/۲۷۵

زانویه گذشته رخ داد و به مرگ هفت سرنشین آن منجر شد به تاخیر افتاده است.

۲۰ ماهواره مصنوعی در ماه گذشته توسط شوروی در مدار زمین قرار گرفت. به گزارش رادیو مسکو از این دو ماهواره یکی برای پژوهش‌های کیهانی و دیگری برای مخابره برنامه‌های تلویزیونی از مسکو به مناطق شمالی و شرقی این کشور استفاده خواهد شد.

روش تولید هیدروژن از نشاسته خام از طریق یک باکتری بنام «رودوپژودوموناس» برای اولین بار توسط یک ژاپنی بنام هاجیم تاکاهاشی کشف شد.

به نوشته مجله نیوزویک باکتری مورد نظر وقتی در یک ظرف محتوی نشاسته خام قرار گیرد بر اثر تابش اشعه آفتاب به آن به سرعت اثر بخش می‌شود و از هر ۵۰ گرم نشاسته خام مقدار ۲۵ میلی گرم هیدروژن تولید می‌کند، هیدروژن تولید شده در این روش دمای مجاور خود را به ۸۰ درجه فارنهایت افزایش می‌دهد.

برپایه این گزارش هیدروژن تولیدشده در این روش از روشهای دیگر از جمله تجزیه آب بوسیله تابش آفتاب و یا جریان برق از نظر مقدار بیشتر می‌باشد و هزینه آن نسبتاً کمتر است.

هورمون جدیدی که میزان شیردهی گاوها را تا ۴۰ درصد افزایش می‌دهد، در امریکا کشف شد. این هورمون قادر است در بدن گاو پروتئینی را که به چربی تبدیل می‌شوند به شیر مبدل کند.

با کاهش سرعت آتمها به کمک اشعه لیزر، امکان مطالعه روی الکترون‌ها و ایجاد ملکول از ترکیب آتمها فراهم شد.

این کشف جدید که در مطالعه قیژیک مولکولی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای محسوب می‌شود و اخیراً توسط محققین انستیتو تکنولوژی ماساچوست امریکا صورت گرفت.

پژوهشگران این مرکز طی آزمایش‌هایی پانصد اتم فلز سدیم را به مدت ۳ ثانیه در خلا محبوس کردند و سرعت آنها را که معمولاً چندین کیلومتر در ثانیه است به کمک هفت شعاع لیزر به چند سانتیمتر در ثانیه کاهش دادند.

این گروه همچنین توانستند با استفاده از دام نورانی همانند انبرک‌های نورانی به دلخواه آتمها را که در دمای نزدیک به صفر مطلق قرار گرفته‌اند، جابجا کنند.

پروفیسور لطفعلی حقیقی استاد میکروبیشناسی دانشگاه شیراز برای اولین بار در جهان موفق به کشف نوعی باکتری جدید شد.

به نوشته روزنامه اطلاعات کشف جدید پروفیسور حقیقی نوعی باکتری از باسیلهای گرم منفی بوده و تاکنون توسط مرکز کنترل بیماریها در امریکا و همچنین انستیتو پاستور پاریس مورد تأیید واقع شده است. بر پایه این گزارش پزشک ایرانی با این کشف توانست دیپلم افتخار کنگره بین‌المللی بیماریهای عفونی که اخیراً در مونیخ برپا شده بود، دریافت نماید.

لازم به توضیح است که پروفیسور حقیقی فارغ‌التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه تهران می‌باشد و اولین ایرانی است که درجه «دنا» را از دولت فرانسه دریافت کرده است. وی همچنین در سال ۱۳۵۹ از دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز درجه پروفیسور افتخاری را گرفته است.

Created by trial version of 2PDF

خواهر کوچکم، سمیه، روی پله نشسته بود و باامداد خط‌های نامنظمی روی کاغذ می‌کشید. من که حوصله‌ام از درس سرفته بود و برای رفع خستگی بچای آمده بودم نادانفکری با دوچرخه‌ام ور بروم و تمدد اعصابی کنم، هوس کردم سربه سینه بگذارم پاورچین پاورچین پاورچین سر بساوندیک شدم و بسا...
 ما هم چشم‌هایمان را گرفتیم. پدرم: اگر گفتی من کی می‌گفتم؟ گفت: هر سینه بودی می‌گفتم خدائی. سالها از صداقت فهمیدم که داداش مرتضائی! با تعجب پرسیدم: «خدا اینجا چکار می‌کند؟»
 گفت: خدایه جا هست، همیشه با من است مخصوص حالا که دارم من نامه می‌نویسم آمده نامه‌ام را بد.
 سیدم: چه برایش نوشته‌ای؟ خبیلی چیزها. کنجکاو شدم، خواست بدانم توی این سر چک، چه افکاری می‌گذرد. گفتم: «تو را برابری بخوان.»
 ناگهان کود کانه موهایش را از توی شمش عقب زد و گفت شرط دارد! چه شرطی؟ گفت باید دهنت را بشوید، به مامان نگوئی، مادر گ نفهمد هیچکس جز تو و من نفهمد. قبول؟ گفتم قبول.
 کاغذ را مثل یک نوشته مقابل صورتش گرفت و با ژست یک آدم با سواد، با افتخار شروع بخواندن کرد! خدای خوب من، اول از همه مریضی مادر بزرگ را خوب کن تا دوباره برای قصه‌های قشنگ بگوئی. مادر را خوشحال کن. مثل مامان آزاده! بی‌اختیار از فرم گذشت که: مثل آنوقت‌های خودش قبل از اینکه

بابا به جبهه برود و از او بی‌خبر بمانیم. مثل آنوقت‌ها که مادر هنوز نگران گم شدن پدر نبود. مثل آن وقت‌ها که ماهم سروسامانی داشتیم، هر چند پدر پشیمان نبود اما خاطرمان جمع بود که آن دور دورها، دارد می‌جنگد و پیروز می‌شود و برای ما سربلندی و افتخاری آورد.
 اما حالا چندسال است که از پدر بی‌خبریم. نه نامه‌ای، نه تلفنی، نه آمدنی و بقول مادر نه جنازه‌ای، نه پلاکی و نه حتی یک تکه از لباسش، مادر همیشه می‌گفت بی‌خبری، خوش خبریست...
 خلاف مادر بزرگ همیشه برای هر موضوعی به پیشباز نگرانی و پیامدهای شوم میرفت. مادر قلبی مطمئن و آرام داشت، اما حالا، مادر هم، دیگر خودش را راستی راستی باخته است. از آن روحیه شاد و بی‌غم و آرام اثری باقی نمانده است. چین‌های غصه صورتش را پر کرده و نگرانی در چشمان اندوهگینش موج می‌زند. هرتلفن بی‌وقتی، هرزنگ بیموقعی، مادر را هراسان می‌کند. چادر بسر می‌اندازد و به سرعت دم در می‌رود، اما قاصدی از سوی پدر نیست دوباره ناامید باز می‌گردد. مادر دیگر، حوصله ندارد. مثل آدم ماشینی، انگار کواکب کرده‌اند، به موقع بیدار می‌شود، به کارهای خانه و درس و مشق و نظافت‌ها، از روی عادت و نه از روی اراده و میل، می‌پردازد. کارها را انجام می‌دهد اما فقط واجبات را، دیگر حوصله خرید تفتنی، لباس قشنگ دوختن برای فریبا و موهای بلند او را ندارد. از بی‌حوصلگی موهای بان قشنگی را کوتاه کرده. حالا تازه برای ما، خیلی

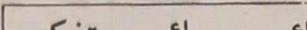
حوصله دارد. بانجمن اولیاء و مریبان مدرسه من می‌آید، گاهگاهی بسا معلمهای من تماس می‌گیرد و از وضع درسیم با خبر می‌شود. خلاصه در نبودن پدر پرچمدار خانواده است. اما در مورد خودش ابدأ حوصله ندارد. سمیه راست می‌گوید، هیچ لباس قشنگی نمی‌پوشد چه از زمان مفقود شدن

که مویش را شانه کند یا لباسش عوض کند. فکر می‌کنم اگر بخاطر شستن سمیه نبود حوصله حمام کردن بموقع را هم نداشت. خلاصه در هر چه بخودش مربوط می‌شود، بی‌حوصله است. دیگر آن شادی و خنده و امید در لب و چشمش دیده نمی‌شود.
 آن امید که فردا قشنگتر از

را که به عهده دارد، نفرین می‌کند. و من باین فکر می‌کنم که در گذشته مادر همه این کارها را چنان سبک و آسان انجام میداد که ما سنگینی آنرا بر دوش احساس نمی‌کردیم. اما حالا همان مسئولیت چون بار گرانی، مادر را درهم شکسته است، فکر می‌کنم مادر امیدش را از دست داده است و این ناامیدیست که این چنین او را تحت فشار قرار می‌دهد و گرنه زندگی همانست که بود. سمیه خواندن را ادامه داد که: به دل مامان بینداز لباس خوب بپوشد، آراسته باشد، موهایش را شانه کند. بخندد. ما را به مهمانی ببرد. مهمان دعوت کند، برایم قصه بخواند. از دست داداش حرص نخورد، عصبانی نشود، به زمین و زمان بد نگوید. سمیه از این نمط می‌خواند و من از توجه و دقت او در حرکات مادر و روانشناسی اهل خانه در عجب بودم و در پی چاره که چگونه می‌توان مادر را به صراط مستقیمی که قبلاً در آن بود مجدداً سوق داد چگونه می‌توان باو امید فردای بهتر و تحمل بیشتر امروز را داد؟ چگونه باو گوشزد کرد که زندگی فقط در وجود بابا خلاصه نمی‌شود، ماهم هستیم، وجود داریم او باید با وجود ما، همانقدر خوشحال باشد که وقتی بابا بود.
 برای کودکی مثل سمیه، درک تغییرات روحی مادر و پذیرفتن آن مشکل و رنج‌آور است. سمیه چه گناهی کرده که کشور در حال جنگ است و مادر از شوهرش بی‌خبر؟ سمیه درستی نیست که چنین رنجی براو تحمیل شود. مادر باید فداکارتر

پیام کودک به مادر

(هدیه سمیه و مرتضی به مادر بمناسبت روز زن)



***حضرت محمد در تنهایی سیمائی متفکر و محزون داشت، اما بمحض برخورد با مردم لبخند می‌زد و سلام احوالپرسی میکرد و با صمیمیت دست طرف را می‌فشرد و آنقدر تسلط بر نفس داشت که در غم خویش که غم بشریت بود دیگران را شریک نسازد.**

پدر، دیگر لباسی نخریده است، دیگر به سلمانی نرفته است. قیافه‌اش مثل دخترها و زنهای بی شوهر شده است. گاهی مادر بزرگ تشویقش می‌کند

سخنی درباره احکام جزائی

در این میان قصاص مربوط به جنایاتی می‌شود که کشتن یک کسی (انسانی که مرتکب کاری که موجب بی‌ارزش شدن حیات او باشد نشده است) و یا ناقص کردن اعضائی از یک انسان صورت بگیرد و تحت عنوان «قصاص نفس» و «قصاص اعضاء و جوارح» و یا «قصاص اطراف» مطرح می‌شود اینک باید دید که قصاص یعنی چه؟ و چه معنائی از آن شده است تا چه حد کامل است.
 نتایج که از مجموعه کتب فقهی گرفته شده و بعنوان مواد و اصل قانونی نقل شده است تاچه حد قابل بحث و احیاناً قابل جرح و تعدیل و اصلاح و اصولاً مبتنی بر چه اساس است؟ و بعد در مورد قصاص یعنی مجازات «قتل نفس» و طرح مسئله قتل عمد این موضوع مطرح است که آیا این جرم یک جرم خصوصی است و باید حتماً مدعی خصوصی داشته باشد و مطالبه حق هم از طرف اشخاص خاص و ذینفع (ولی دم) بشود؟ و اجرای مجازات نیز توسط آنان انجام گیرد و یا اینکه دارنده حق اصلی «جامعه» است منتها از آنجا که تمام ابعاد قضیه در وقوع یک جنایت باید مورد توجه قانون‌گزار باشد، روشن است که در جریان یک قتل نفس وابستگان از متضررین و مورد تجاوز قرار گرفته شناخته میشوند.
 و بالاخره مسئله اساسی نقش و

هست. نکته دیگر اینکه این «طبقه‌بندی» از نوع جرم که به سه قسمت (عمد- شبه عمد و خطا) که در متن این لایحه آمده است، ناظر بقول مشهور در فقه است (و بعضی از فقها، قتل را به دو یا سه یا چهار یا پنج قسمت می‌کنند که تفصیل آن در مقاله «قتل عمد» در رساله «حقوق آزادی» آمده است). خلاصه بنظر می‌رسد نباید این مسئله را که قتل نفس (مطلقاً و تنها) یک «جرم خصوصی» است قطعی دانست و حتی این مقصود را کنار بگذاریم و نباید طوری مطرح شود که همچنین تصویری از آن پیدا شود و در نظر داشته باشیم در این مورد اسلام عنایت خاصی کرده است و لازم است توجه داشته باشیم که ارزش خون یک انسان را که بناحق کشته می‌شود معادل خون تمام انسان‌ها بحساب آورده است و می‌گوید «من قتل نفسا بغير نفسی او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً ومن احیاهما فکانما احیا الناس جمیعاً» (سوره مائده آیه ۳۲) و می‌دانیم وقتی کسی کشته می‌شود چه در رابطه با قاتل و چه در رابطه بامقتول و حتی کسانی که با او هستند و محیط اجتماعی و حکومت زمان، حقوق همه اینها باید رعایت شود. البته رسیدگی کامل به تمام اینها از ترازوی معموله بشری بیرون است (مطابق اعتقادات اسلامی تحت عنوان «حساب یوم القیامه» مطرح می‌شود که آنجا دیگر مسائل باتمام ابعاد و جزئیات دقیقاً مورد بررسی قرار می‌گیرد)، بنابراین اعمال مجازات توسط حاکم تمام مسئله نخواهد بود (و چه بسا مجازات‌های غیر عمیق و غیر

مستلزم عقوبت‌های اخروی و مجازات‌های امر مجازات که خود را حافظ عدالت اجتماعی شناسانده‌اند اگر بدون اهلیت تصدی آنرا پذیرفته باشند و آلت اجرای اغراض گروه حاکم غیر صالح باشند، خواهد بود) چنانچه در قرآن است که «ومن یعمل مثقال ذرة شراً یراه» (هر کس منشاء و عامل عملی باشد هر چه کم و ناچیز و به سنگینی یک ذره چه خوب و چه بد همان عمل خود را، دقت شود که خود آنرا و البته با نتایج و آثارش که مستلزم دیدن آنست، خواهد دید).
مجازات جرم خصوصی و جرم عمومی
 نکته دیگر آنکه مسئله قتل نفس و مجازات آن در گذشته از طرف بعضی نویسندگان یسارگویندگان طوری ارائه می‌شد که حتی بعضی محققین بخود حق می‌دادند که آنرا یک «جرم خصوصی» تلقی کنند حالا چقدر در آن زمان این امر از طرف اهل مطالعه و دقت در ریزه کاری‌های احکام اسلامی، دفاع می‌شد که نه اینطور نیست و اسلام این را باین ترتیب که به شما معرفی شده است نمی‌گوید! ولی ناگفته نباید گذاشت که دورنمای این مواد، این فکر را در این حقوق دانان تقویت می‌کند که بنظر من اگر مطالعه دقیق در مجموعه احادیث و با توجه به اصول مسلمة اسلام در زمینه «عدالت و احسان...» انجام می‌گرفت (در موقع خودش شاید این احادیث را هم مورد توجه قرار بدهیم) به این اندازه و برای گونه برداشت جرم خصوصی از آن نمی‌شد، در صورتیکه وقتی

اندیشه کنیز زیر اندیشه کرده دل بودن مردم پیناست

امام حسن (ع)

ایدئولوژی سه، جامعه‌ای که بر اساس ایدئولوژی عده‌ای در مکانی جمع شوند و با یک تفکر و هدف و برنامه، زندگی کنند و روابط و وابستگی و حمایت از یکدیگر جزء لاینفک این جامعه باشد و رهبری اعتقادی در رأس و اساس تشکیل چنین جامعه‌ای باشد، این جامعه را امت نامند. در اینجا به تعریف چند جامعه‌شناس از جامعه‌شناسی توجه می‌نماییم:

کهن‌ترین تعریف جامعه‌شناسی از ارسطو بیان شده است که می‌گوید «جامعه موجود زنده‌ای است که تابع قانون تولد، رشد و مرگ است و معتقد است که تحولات، شرط لازم زندگی اجتماعی است و نیز بر این عقیده است که جوامع از عوامل مختلف الجنس تشکیل شده و این موضوع علت پیدایش مراتب و درجات طبقاتی، حکومت و تقسیم کار میگردد.»

امیل دورکیم جامعه‌شناس معروف فرانسوی جامعه را مانند ارسطو و اسپنسر «موجودی زنده میدانند و معتقد است همانطوریکه جاننداری تنها از اجتماع ساده سلولها بوجود

نیامده و دارای حس عمومی یا حیات میباشد جامعه نیز تنها از گرد آمدن ساده فرد تشکیل نیافته بلکه دارای وجدان و روح جمعی است... مناسبات و روابط بوسیله مقررات و مؤسسات و به عبارت دیگر نهادهای اجتماعی مستحکم شده است...»

ژرژ گوروچ جامعه‌شناس فرانسه «جامعه را واقعیتی کلی و متعدداالاجزاء و جامع جمیع جهات» تعریف نموده است که به گفته کاستون بوتول بر اساس تفاهم متقابل استوار است و از یک گروه انسانی که دارای طرز تفکری مشابهند تشکیل می‌شود. بعضی از جامعه‌شناسان نظریه تعاون را در تعریف جامعه بکار بردند مانند «ادوارد وسترمارک» جامعه‌شناس انگلیسی فنلاندی نژاد که جامعه را دسته‌ای از مردم که بحال تعاون زندگی می‌کنند دانسته است.

هنری گیه نیگز در کتاب «مطالعات در باره جامعه‌شناسی توصیفی- تاریخی» جامعه را، دسته‌ای از مردم که برای نیل به هدف عام‌المنفعه‌ای در حال تعاون

بسر می‌برند تعریف کرده. و «روبرت مارک ایور» آمریکائی جامعه را سیستم روابط اجتماعی که ما در آن و بوسیله آن زندگی میکنیم خوانده است.

و جامعه‌شناسانی مانند «البرت کالوی کلمر» و «ویلیام گرهام سمتر» جامعه‌شناسان آمریکائی جامعه را،

پردوایی است مرکب از عده کثیری زن و مرد و کودک که وجوه اشتراک فراوانی دارند و برای بقا و تداوم جامعه خود همکاری می‌کنند و سازمانهای متعدد بوجود می‌آورند. عده‌ای از جامعه‌شناسان جامعه را از دید روان‌شناسی بررسی نمودند و امور نفسانی را اساس تشکیل جامعه

معرفت یا شناخت، اساس تفکر و زندگی انسان را تشکیل می‌دهد و در رابطه با هر موضوعی و همچنین جامعه، شناخت نسبت به آن، جهت بدست آوردن شیوه برخورد و قضاوت و پیش‌بینی مشکلات و نیز پیشگیری از موانع، نیاز واقعی انسان است.

دسته‌ای از مردم که به اشتراک زندگی می‌کنند و می‌کوشند با تفاق وسائل زندگی خویش را تأمین کنند و نسل را ادامه دهند» تعریف کرده‌اند.

بعقیده یکی از جامعه‌شناسان آمریکائی، جامعه گروه وسیع و

میدانند از قبیل «گاربریل تارد» که می‌گوید «جامعه انسانی مجموعه‌ای است از موجوداتی که از لحاظ تشابهی که باهم دارند از راه تقلید دور هم جمع میشوند و بصورت جمعی زندگی می‌کنند» و در مقابل این عقیده، ماکس وبر جامعه انسانی

را شبکه‌ای از برخورد نیروهای متضاد میدانند که در ساختمان قشرهای اجتماعی و روابط آنها متجلی میشوند.

ضرورت جامعه‌شناسی

با توجه با آنچه گذشت معرفت یا شناخت اساس تفکر و زندگی انسانی را تشکیل میدهد و در رابطه با هر موضوعی همچنین جامعه شناخت نسبت به آن، جهت بدست آوردن شیوه برخورد و قضاوت و پیش‌بینی مشکلات و نیز پیشگیری از موانع، نیاز واقعی انسان است.

مجموع عناصر و عوامل عینی و ذهنی یا مادی و معنوی که در جوامع اجتماعی جریان می‌یابند و از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کنند میراث اجتماعی یا میراث فرهنگی یک جامعه نام دارد. فرهنگها که مرکب از خصوصیات و یا اجزای خاص فراوانی هستند واحدهای بزرگی به نام مجموعه فرهنگی می‌آفرینند بستگی‌های متقابل اجتماعی اقتضاء می‌کنند که خصوصیات فرهنگی یا مجموعه‌های فرهنگی در عین تفصیل نوعی تناسب و هماهنگی داشته باشند

و مدل‌های فرهنگی ارائه دهند. این مدلها منشاء فرهنگ مادی یا معنوی دارند. برای دریافت انگیزه و منشاء هر جامعه اطلاعات دقیق بجز فرضیات و حدسیات، ضرورت دارد. تاکنون غیر از زیست‌شناسان و باستان‌شناسان و انسان‌شناسان نظریاتی ارائه نداده‌اند. آنان قدمت جهان را از دو میلیون سال بیشتر می‌دانند و قدمت نوع انسان را پانصد هزار سال، در حالیکه اسناد تاریخی و دینی، تکوین اولین انسان را حدود شش هزار سال قبل میدانند. بهر حال بررسی باستان‌شناسی و انسان‌شناسی بر روی تمدن و فرهنگ اقوام ابتدائی ما را تا حدود بسیار کمی به مقصد نزدیک مینماید. نتیجه جستجوهای متوالی نشان میدهد خالق متعال، در انسان قوه و نیروی تعقل و تفکر و هوش را بطور تکوینی قرارداد تا توانسته است خود را با محیط طبیعی تطبیق دهد و بجای اینکه صرفاً از خواص اثری کمک بگیرد از نیروی مفزی - فکری تعقلی خود استفاده طلبیده و جامعه، که یکی از مهمترین خصوصیات نوع بشر است را بوجود آورده است.

ادامه دارد

نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۴۱ دادگاه حقوقی ۲ تهران شفיעی

۳-۳
آگهی حصر وراثت
خانم مولود مالک باوکالت آقای فرهاد مالک دارای شناسنامه شماره ۷۴۲۸ تهران شرح دادخواست کلاسه ۶۵-۶۹-۱۶۷۸ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عفت شریفی اسلام پناه شناسنامه ۷۴۲۹ در تاریخ ۶۴/۱۱/۱۵ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق خواهر متوفی وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای مهدی نوسادرائی دارای شناسنامه شماره ۳۰۹۶۳ باخترا شرح دادخواست کلاسه ۶۵-۶۹-۱۵۷۳ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حاج احمد نوسادرائی شناسنامه ۴۹۰۴ در تاریخ ۶۵/۳/۲۱ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر متوفی ۲- عبدالرحیم نوسادرائی شناسنامه ۳۵۶۸۹ پسر ۳- عبدالملک نوسادرائی شناسنامه ۲۱۹۹ باخترا پسر ۴- حمید نوسادرائی شناسنامه ۳۶۶ باخترا پسر ۵- فخرالزمان نوسادرائی شناسنامه ۲۵۶۸۸ باخترا دختر ۶- طیبه نوسادرائی شناسنامه ۳۵۰ کرمانشاه دختر ۶- فیروزه نوسادرائی شناسنامه ۴۰۹ کرمانشاه دختر ۸- معصومه رضائی شناسنامه ۱۱۸۲۲ کرمانشاه همسر دائمی ۹- فردوس نوسادرائی شناسنامه ۴۹۰۲ کرمانشاه مادر متوفی وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
خانم پرویندخت معترف دارای شناسنامه شماره ۱۷۰۳ تنکابن شرح دادخواست کلاسه ۱۴۴۱/۱۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عباس صدربا شناسنامه ۱۶۷۶۱ در تاریخ ۶۵/۱۲/۱۱ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به ۱- متقاضی با مشخصات فوق همسر دائمی متوفی ۲- سیفاله صدربان شناسنامه ۴۲ تهران ۳- حبیب صدربان شناسنامه ۵۳۳ تهران ۴- اسداله صدربا شناسنامه ۸۸۲ تهران پسران متوفی متوفی وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای عبدالعزیز زروان دارای شناسنامه شماره ۱۰۵۱ تهران شرح دادخواست کلاسه ۱۴۱۳/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه نورانی شناسنامه ۱۸۰۵۵ در تاریخ ۶۲/۱۰/۱۹ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر ۲- محمد کاظم زروان شناسنامه ۵۶۳ تهران ۳- مسعود زروان شناسنامه ۳۸۸۰۱ تهران پسران متوفی ۴- ناهید زروان شناسنامه ۱۹۶ تهران دختر متوفی وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای حسن فرخی دارای شناسنامه شماره ۳۷۶ تهران شرح دادخواست کلاسه ۱۳۶۹/۱۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان دلیر کوسه کبر شناسنامه ۱۰۶ در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۳ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر متوفی ۲- علی رضا فرخی شناسنامه ۱۰۸۲۷ تهران ۳- پروین فرخی شناسنامه ۲۶۱۲ تهران ۴- زهرا فرخی شناسنامه ۲۲۷۲ تهران ۵- صفری فرخی شناسنامه ۱۹۲۸ تهران ۶- معصومه فرخی شناسنامه ۵۴۱۸ تهران ۷- حسین فرخی شناسنامه

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای سید مهدی روحانی قسمی دارای شناسنامه شماره ۲۲۳۲ شرح دادخواست ۱۷۷۷/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سید محمد روحانی قسمی شناسنامه ۲۷۳۹۶ در تاریخ ۱۳۶۴/۸/۹ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی وسید محمود شناسنامه ۳۲۰۰ سید احمد شناسنامه ۱۲۹۹ وسید مصطفی شناسنامه ۵ پسران و زهرا شناسنامه ۱۵۷۳ جهان السادات شناسنامه ۱۲۹۸، فاطمه شناسنامه ۳۲۱ دختران و شهرت همگی فرزندان متوفی روحانی قسمی میباشد و نرجس مختاری شناسنامه ۱۰۷۲۷ همسر دائمی متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۴۱ دادگاه حقوقی شفיעی

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای عبدالحمید مقدسیان دارای شناسنامه شماره ۵۴۷۱۳ شرح دادخواست ۱۷۸۴/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد مقدسیان شناسنامه ۴۱۱ در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۱ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی وسید شناسنامه ۱۷۰۸ وامیر شناسنامه ۵۰۵۹ پسران و حوریه شناسنامه ۶۵۰، طاهره شناسنامه ۲۵۸۵ ونعمیه شناسنامه ۱۱۵۰ دختران و شهرت همگی فرزندان مقدسیان میباشد و مهین بهاری شناسنامه ۱۹۴۲ همسر دائمی متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۴۱ دادگاه حقوقی تهران شفיעی

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای علی اکبر نخعی مقدم دارای شناسنامه شماره ۳۶۹ شرح دادخواست ۱۴۷۴/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان رضا نخعی مقدم شناسنامه ۳۰۵ در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۱ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی و غلامحسین شناسنامه ۹۰ پسران و فرخ شناسنامه ۳۰۲۷، صفری شناسنامه ۱۳۴ و معصومه شناسنامه ۸۹۷۸ دختران و شهرت همگی فرزندان متوفی نخعی مقدم میباشد و فاطمه نخعی مقدم شناسنامه ۳۰۲۶ همسر دائمی متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۴۱ دادگاه حقوقی تهران شفיעی

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای علی اکبر نخعی مقدم دارای شناسنامه شماره ۳۶۹ شرح دادخواست ۱۴۷۴/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان رضا نخعی مقدم شناسنامه ۳۰۵ در تاریخ ۱۳۶۴/۹/۲۱ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی و غلامحسین شناسنامه ۹۰ پسران و فرخ شناسنامه ۳۰۲۷، صفری شناسنامه ۱۳۴ و معصومه شناسنامه ۸۹۷۸ دختران و شهرت همگی فرزندان متوفی نخعی مقدم میباشد و فاطمه نخعی مقدم شناسنامه ۳۰۲۶ همسر دائمی متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۴۱ دادگاه حقوقی تهران شفיעی

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای محمدعشاق دارای شناسنامه شماره ۲۰۷ شرح دادخواست ۱۷۴۵/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین عشاق شناسنامه ۸۷۰۴ در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۹ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر و فاطمه عشاق شناسنامه ۱۸۲۳ دختر و صدیقه سیدین شناسنامه ۲۴۳۰ همسر دائمی متوفی.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای حسن فرخی دارای شناسنامه شماره ۳۷۶ تهران شرح دادخواست کلاسه ۱۳۶۹/۱۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان دلیر کوسه کبر شناسنامه ۱۰۶ در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۳ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر متوفی ۲- علی رضا فرخی شناسنامه ۱۰۸۲۷ تهران ۳- پروین فرخی شناسنامه ۲۶۱۲ تهران ۴- زهرا فرخی شناسنامه ۲۲۷۲ تهران ۵- صفری فرخی شناسنامه ۱۹۲۸ تهران ۶- معصومه فرخی شناسنامه ۵۴۱۸ تهران ۷- حسین فرخی شناسنامه

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای فرح اله پیر نظر باوکالت آقای رحمن نوری زاده و کیل دادگستری دارای شناسنامه شماره ۹۰۷۷ کسولگری ایران در بغداد شرح دادخواست کلاسه ۱۴۱۳/۱۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عزیزاله پیرنظر شناسنامه ۹۰۷۶ در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۴ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق برادر متوفی وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای علی رضا رحیمی دارای شناسنامه شماره ۳۳۲ تهران شرح دادخواست کلاسه ۱۵۲۸-۶۹-۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدحسین رحیمی شناسنامه ۶ در تاریخ ۶۵/۲/۲۴ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر متوفی ۲- حمید رضا رحیمی شناسنامه ۲۲۷ تهران ۳- حبیب رحیمی شناسنامه ۲۶۹ تهران ۴- ابوالفضل رحیمی شناسنامه ۴۲۲ تهران پسر ۵- معصومه رحیمی شناسنامه ۱۱۶۱ تهران ۶- فاطمه رحیمی شناسنامه ۴۱۰۸ تهران دختر ۷- طاوس فرقهانی فراهانی شناسنامه ۲ تفرش.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای مجید مؤید محسنی دارای شناسنامه شماره ۳۳۷ تهران شرح دادخواست کلاسه ۱۵۵۴/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد صادق مؤید محسنی شناسنامه ۶۶۶ در تاریخ ۶۵/۲/۲۱ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر متوفی ۲- مجتبی مؤید محسنی شناسنامه ۸۱۷ تهران ۳- مرتضی مؤید محسنی شناسنامه ۱۳۰۲ تهران پسران ۴- معصومه مؤید محسنی شناسنامه ۶۰۷ تهران ۵- مریم مؤید محسنی شناسنامه ۵۰۲ تهران ۶- منصوره مؤید محسنی ۵۰۳ تهران دختران ۷- کبری رحیم بوجردی شناسنامه ۲۲۶ تهران همسر دائمی متوفی وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای سیروس قهرمانی دارای شناسنامه شماره ۳۵۲۷ تهران شرح دادخواست کلاسه ۱۵۱۰-۶۵-۱۵۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی حسین قهرمانی شناسنامه ۲۸۹۵ در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۲ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر متوفی ۲- عبدالله قهرمانی شناسنامه ۳۰۱ تهران پسر ۳- مهدی قهرمانی شناسنامه ۴۶۱۳ تهران پسر ۴- گلزار گلستانی شناسنامه ۴۱۵۴ تکاب همسر دائمی متوفی وارث دیگری ندارد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۶۹ دادگاه حقوقی ۲ تهران طائف

۳-۳
آگهی حصر وراثت
خانم عفت کامرانی دارای شناسنامه شماره ۷۱۸۱ شرح دادخواست ۱۵۶۱/۶۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نیلوفر فضلی نژاد شناسنامه ۳۴۴۳ در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۹ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق مادر و جواد فضلی نژاد شناسنامه ۲۵۹۴۱ پدر متوفات.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی‌درپی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هروصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.

رئیس شعبه ۴۱ دادگاه حقوقی ۲ تهران شفיעی

۳-۳
آگهی حصر وراثت
آقای حسن فرخی دارای شناسنامه شماره ۳۷۶ تهران شرح دادخواست کلاسه ۱۳۶۹/۱۵ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان دلیر کوسه کبر شناسنامه ۱۰۶ در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۳ اقامتگاه دائمی خود بدرد زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصراًست به متقاضی با مشخصات فوق پسر متوفی ۲- علی رضا فرخی شناسنامه ۱۰۸۲۷ تهران ۳- پروین فرخی شناسنامه ۲۶۱۲ تهران ۴- زهرا فرخی شناسنامه ۲۲۷۲ تهران ۵- صفری فرخی شناسنامه ۱۹۲۸ تهران ۶- معصومه فرخی شناسنامه ۵۴۱۸ تهران ۷- حسین فرخی شناسنامه

۱- ضرورت جامعه‌شناسی ۲- رابطه جامعه با عقیده

برای اینکه مسیر رسیدن به مقصد را در کوتاهترین فاصله طی کنیم، ناگزیریم عنوان «علم جامعه‌شناسی» را در مرحله نخست و سپس ضرورت این علم را مورد مطالعه قرار دهیم و بعد از آن به نگرشهای جامعه‌شناسی توجه بنمائیم و به بررسی بهترین نگرش و شیوه آن اهتمام ورزیم.

واژه جامعه‌شناسی از دو مفهوم «جامعه» و «شناسی» تشکیل شده است درحالیکه هرکدام از این دو مفهوم تعریف مستقلی دارند. ما ابتدا به مفهوم کلمه معرفت یا شناخت می‌پردازیم زیرا اساس زندگی انسان امر واقعیت او، در عالم وجود، شناخت و مور است و عدم شناخت و معرفت هر موضوع، بر خورد با آن موضوع را مشکل و ناموفق میسازد و انتخاب شیوه صحیح برخورد با هر موردی بدون آگاهی و معلومات کافی نسبت بان مورد، امکان‌پذیر نیست. باتوجه آنچه گفته شد رمز موفقیت انسان که جزئی از هستی بی‌کران و عالم وجود و وابسته به سایر اجزای هستی است و پیوسته با آنها مرتبط است، غنای معلومات و عرفان است و همین شناخت یا عرفان و یا عدم شناخت موضوعات است که او را در امور پیش می‌برد یا بحالت ارتجاع یا رکود نگه میدارد. و نکته فوق «درمورد شناخت جامعه» هم تعمیم می‌یابد. باید انسان که باطبیعت و محیط زندگی تجانس دارد و بهیچوجه نمیتواند منکر روابط پیچیده و مهم و ارگانیک خود باعالم هستی گردد به شناخت حداقل نسبی «خود» و «محیط» و (درتفکر موجدین) شناخت معبود، اهتمام ورزد. انسان بطور فطری و غریزی^(۱) بسادیهیات و فعالیت‌های ساده آشنائی دارد. انسان قادر است دربرخورد با محیط تغییرات مطلوب خودش را ایجاد نماید و عوامل محرک محیطی در تکامل انسان نقش اساسی دارند و عکس‌العملهای فطری و غریزی که به عکس‌العمل‌های شرطی تبدیل میشوند و از حالت غریزی خارج میشوند در واقع آگاهی و یا شناخت و محصول علمی و نتیجه این کشف‌هاست.

قوه شناخت در وجود آدمی جهت درک عالم بودیعه گذاشته شده به عبارت دیگر بکمک نیروی شناخت می‌تواند درون و بیرون خود را دریابد و انسان یقیناً قبول دارد که میان ساختمان ذهنی و عصبی و قوه اندیشه و شناخت او با عالم خارج نوعی هماهنگی وجود دارد و دستگاه و قوه ادراک دارای نظمی منطقی است و او را به نتیجه قبول و پذیرش اینکه جهان هم غیر تصادفی و دارای مدیری آگاه است میرساند. در واقع شناخت دارای دو مرحله است: **مرحله شناخت حسی و مرحله شناخت منطقی.**

در مرحله شناخت حسی تحریک‌های محیط از طریق حواس برارگانیزم وجودی انسان است بطوریکه ابتدا تحریک به صورت مبهم در مغز انعکاس می‌یابد و بعد به صورت مشخص نمود می‌یابد و ادراک می‌گردد و هنگامیکه تحریک خارجی قطع میگردد ادراک از میان می‌رود ولی تصویر ذهنی آن باقی میماند. تصویر ذهنی به اقتضای شرایط بعدی به صورت اصیل خود تجلی می‌کند و آنرا تذکار یا یادآوری می‌گویند و اگر همان تصویر ذهنی بصورت دگرگون شکل گیرد تخیل پیش می‌آید. در مرحله شناخت منطقی ادراک‌ها یا تصاویر ذهنی به سبب برخورد با ادراکات یا تصاویر ذهنی قبل مقایسه و سنجیده و رده‌بندی

موضوع: بررسی واژه جامعه‌شناسی

میشوند و عناصر اصلی و مهم آن تمرکز می‌یابند و تصاویر جزئی و سطحی بکمک ادراک‌های قبلی ذات و ماهیت آن نمود می‌یابد و پس از طی این جریان است که ادراک، مفهوم نامیده میشود. توسعه مفاهیم سبب بیان حکم و در مرحله بعد، استنتاج فراهم میشود و از اجتماع احکام متعدد حکمی حاصل میشود که استقراء نامیده میشود و پس از اینکه احکام دقت و صراحت یابند از گانیزم جهتی معین بخود می‌گیرد به اصطلاح اراده می‌کند و بر اثر آن به فعالیت می‌پردازد و شروع عمل با پایان شناخت همراه و حیات ذهنی فاصلهای مابین آن دو است.

بطور کلی مرحله اول شناخت که شناخت حسی یا سطحی است معمولاً به شناخت منطقی منتهی می‌گردد، گاهی مرحله اول اتفاق نمی‌افتد و مرحله دوم انجام می‌پذیرد. گاهی ادراک به تندی و گاهی به کندگی انجام میشود.

زمانی عاطفه شدت می‌یابد و گاهی ادراک که بر پایه تعقل استوار است برعاطفه چیره میشود. گاهی در یکی از مراحل شناخت وقفه ایجاد میشود و از استنتاج باز میماند و پس از مدت زمانی در حالتی خاص نتیجه‌گیری می‌کند و این بستگی به میزان قدرت تمرکز دارد، تاریخ نمونه‌های بسیاری دارد: تارتینی (Tartini) آهنگساز ایتالیایی قرن هیجدهم صورت نهائی آهنگ معروف خود «سونات شیطان» را در خواب تنظیم کرد و یا آرخیمی (Archimedes) دانشمند یونانی قرن سوم پیش از میلاد ناگهان در حمام به کشف قانون علمی بزرگی دست یافت.

ملاک شناخت:

شناخت ناشی از برخورد انسان با خود (شخصیت ثابت درونی) و محیط خارج است. چگونگی شناخت هر کس در هر مورد بستگی به چگونگی برخورد او دارد. بنابر این هر کس به تناسب تجربیات زندگی خود به درجه‌ای از معرفت نایل می‌شود. مرحله شناخت با بصیرت کسی بجایی میرسد که عرفا یا مبانی ایدئولوژیک آنرا «صحیح» میدانند و شناخت دیگری به درجه‌ای میرسد که به صفت «سقیم یا نادرست» متصف می‌شود. یا چه بسا میزان شناخت کسی نسبت به یک امر درست‌تر از شناخت دیگری باشد نسبت به همان امر. بهر حال شناخت قابل سنجش است و آن ملاکی که شناخت را با آن می‌سنجیم «حقیقت» (truth) نامیده میشود. تطبیق شناخت با هستی که همان، واقعیت (reality) است. یعنی شناختی که موافق نظام هستی باشد درخور صفت حقیقی است و حقیقت یکی از صفات شناخت است. اگر هستی را دائم در تکاپو و تغییر بدانیم و هیچگونه نقطه ثابتی برای آن قائل نباشیم و انسان را که فاعل شناخت واقعیت است در تحول بدانیم، بدون اینکه نقطه ثابتی در وجود او مورد نظر باشد، و محیط هم که موضوع شناخت انسان است در تغییر باشد، در نتیجه حقیقت که صفت شناخت است نمیتواند کیفیت ثابت و معین داشته باشد. لذا احتیاق هم در دگرگونی است و هر چه دیروز حقیقت بود امروز جای خود را به حقیقت دیگری میدهد و آنچه امروز حقیقت است، فردا مبدل به حقیقتی بزرگتر خواهد شد و



*** گروهی که دور هم جمع می‌شوند، در بالا بردن سطح دانش و رشد، و کمال معنوی یکدیگر، با کمک گرفتن از اعتقادات و معلومات و تفکرات دیگران، سعی می‌کنند. و یا ممکن است بعکس صرفاً در صدد ارضاء غرائز حیوانی یکدیگر باشند و این به جهان بینی آنان بستگی دارد.**

به اصول و قوانین حاکم بر هستی توجه کافی نمودند، به نسبت رعایت آن قوانین در کوتاه‌مدت یا درازمدت ناپوشدند. ستمگران و مفسدین تاریخ وجوامع گذشته که به اصول حاکم بر هستی توجه نمودند و خود را قدرت برتر از قانونمندی آفرینش دانستند بحکم همان قوانین بهلاکت رسیدند و تفکر و راه و شیوه آنها بقا نیافته است. منزهان، هیتلرها، چنگیزها و فرعونها... نمونه‌های از این قبیل بوده‌اند. بسیار بجاست که بپذیریم انسان با عقل فطریش می‌تواند آن حقیقت ثابت را ادراک کند و آنرا وسیله سنجش قرار دهد. عقل فطری ستم و جهالت و... را پیوسته زشت میداند. لذا وسیله سنجش یا آن حقیقت، که ملاک شناخت است باید منشا با ثباتی داشته باشد. زیرا اگر قادر نخواهیم بود که قوانین و سنی را بشناسیم. درحالیکه میدانیم هر قدر قوانینی که بشر از درون آفرینش و هستی کشف کند با ثبات‌تر و پایدارتر باشد با استحکام قانونی آن بیشتر می‌توان امیدوار بود و از ارزش

جهت می‌دهد. اگر با نگرشی ماتریالیستی یا با دیدگاه الهی یا...، تجربه علمی را کندوکاو کنیم به یک نتیجه واحد دست نخواهیم یافت.

مفهوم واژه جامعه:

روابط نزدیک و همکاری و مانند... گردی را عکس‌العمل یا رفتارهای متقابل پیوسته گویند و سبقت جوئی، رقابت و جنگ و درگیری را روابط متقابل گسسته نامند.

همکاری و مساعی چند نفر برای رسیدن به هدف مشترک و معین و مانند هم شدن یا فرهنگ پذیرفتن و قابلیت پذیرش رسوم و اخلاق و سایر مظاهر زندگی اجتماعی، همراه و همگام شدن انسان است با موازین زندگی اجتماعی. سبقت جوئی تلاشی است که شخص برای رسیدن به هدفی که مورد نظر دیگری است بکار می‌برد. رقابت هم تلاشی است برای هم سطح شدن با دیگران در رسیدن به هدفی که عدمای بدنبال آنند. و ستیز، رقابتی است که با خشونت همراه است. رفتارها و عکس‌العملهای متقابل پیوسته و گسسته به همسازی کشانیده میشوند و اختلافات را باین وسیله رفع میسازند، این همسازی گاهی بصورت حاکمیت بوجود می‌آید که عدمای ضرورتاً فرمانبرداری می‌کنند، یا همسازی بصورت سازش است یعنی دو طرف اختلاف بهم نزدیک میشوند یا با هم توافق و آشتی می‌کنند و یا باجبار همدیگر را تحمل می‌کنند و بالاخره از طریق داوری، ممکن است اختلافات از بین برود و یا اگر سازگاری پیش آید شکل کامل همسازی و همراهی است که توأم با آگاهی صورت می‌گیرد. از این همسازیها، گروههای اجتماعی تشکیل میشود. زمانی گروههای اجتماعی از جمع شدن خود بخودی و غیر ارادی عده‌ای صورت می‌گیرد و با برنامه و هدف و نقشه قبلی نیستند مانند گروههای شهری اما گروههای بازرگانی و حکومتها از نوع ارادی شکل اجتماعی است.

- ۱- جامعه باید پایدار باشد.
- ۲- اعضاء جامعه باید جامعه را حفظ کنند.
- ۳- در سرزمین معین قرار گرفته باشد.
- ۴- هر کس وظیفه‌ای در جامعه به عهده داشته باشد.

به این ترتیب مفهوم جامعه مستلزم نوعی همبستگی و استحکام مادی و معنوی است که میتوان بخشی از جامعه اجباری یا طبیعی و بخشی دیگر از آن را ارادی یا اختیاری نامید. جامعه طبیعی از گروهی وسیع شامل سازمانهای متعدد و مرکب از عده کثیری از زن و مرد و کودک که در زمان طولانی از اتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشند و وابسته به محل معین و تقریباً بی‌نیاز از جوامع دیگر باشند. در جوامع سازمانهای رسمی و غیر رسمی و مؤسسات اجتماعی (Social-associations) و احتمالاً نهادهای دیگر اجتماعی وجود پیدا می‌کند.

جامعه‌ای که پایدار و عملکرد آن برای ارضاء دارای اهمیت باشد نهاد نامیده می‌شود، مانند سازمانهای اقتصادی، سیاسی و دینی و خانوادگی... جامعه‌ای که بر مبنای فلسفی- اعتقادی تشکیل شود، از استحکام بیشتر و روابط محکمتری برخوردار است. تعریف کاملتری از جامعه می‌توان ارائه داد و آن در رابطه با جامعه‌ایست که دارای

پاورقی:

۱- رفتار غریزی و رفلکسی هر دو غیر اکتسابی اند یعنی فرزند انسان یا حیوان آنها را نمی‌آموزد بلکه آنها را همراه خود بدنیا می‌آورد. گریستن بر اثر درد و یا تنگ شدن روزنه چشم در برابر نور شدید، رفتارهای بازتابی و رفلکسی اند اما تمایل به جنس مخالف، تنیدن تار عنکبوت، مهاجرت پرندگان، مهرمادری، پرهیز، از خطر، جستجو و کنجکاوی برای تبیین مجهولات، رفتارهای غریزی هستند. رفتارهای بازتابی، ساده‌اند در حالیکه رفتارهای غریزی از اجزاء فراوان ترکیب یافته‌اند و متغیرند، موجود به رفتارهای غریزی خود آگاه است و می‌تواند آنرا کنترل کند، در حالیکه رفتار رفلکسی با سادگی که دارد، ناخود آگاه انجام می‌پذیرد. رفتارهای دیگر که پیچیده‌تر و آگاهانه‌تر است، رفتار فطری نامیده میشود که با حیوانات مشترک نیست مانند علم دوستی، کمال دوستی، کمال جوئی و خداگرائی.

است (علم Science) نامیده میشود. در واقع «علم» مجموعه قوانین و سنی است که انسان آنرا شناخته و دریافته و نسبت به شناخت سطحی قطعی تر خواهد بود و امکان تغییر آن کمتر و در زمان گذشته و حال و آینده نتیجه کاربرد آن یکی خواهد بود و انسان توان تنظیم طرح نقشه و پیش‌بینی براساس آن را خواهد داشت.

بطور کلی هنگامیکه آزمایش و تجربه‌ای در زمانهای متفاوت پاسخ یگانه‌ای ارائه دهد آن پاسخ، «قانون علمی» است مانند علوم ریاضی، فیزیکی، زیستی و اجتماعی که بر پایه تجربه و بطور دقیق و به تناسب نیازها و افزایش تجارب نسلها وسعت و دقت بیشتری مییابد پس علم، شناخت نسبی یا متغیر است و آن علمی که تا نهایت درجه برواقعیت تطبیق نماید مطلق است آنهم ضرورتاً باید از منبع مطلق که غیر از موجودات خلق شده باشند صادر نشده باشد. البته تجربه علمی نیازمند روشنگری است و در اینجاست که شیوه تفکر یا فلسفه در تجربه دخالت می‌کند و بان

Created by trial version of 2PDF

